

حقیقت

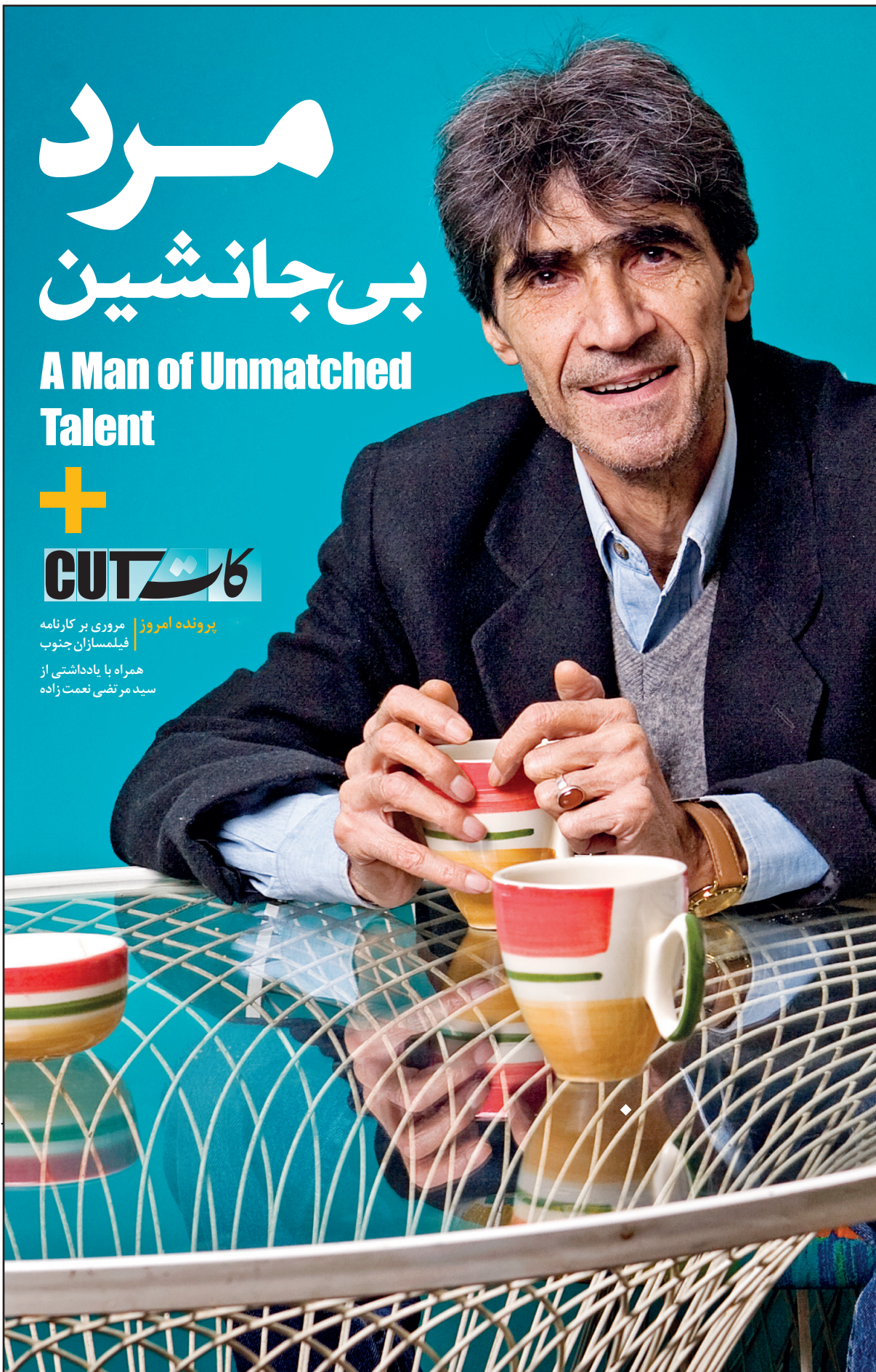
شماره چهارم
جمعه ۲۲ آذر ماه ۹۲

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت

Felstein & Sepideh Theaters

Tehran 10-17 Dec 2013

The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival



مرد بی‌جانشین

A Man of Unmatched
Talent



کات CUT

پرونده امروز | مروری بر کارنامه
فیلمسازان جنوب

همراه با یادداشتی از
سید مرتضی نعمت‌زاده



تجلیل از
نابغه سینمای معاصر

مستند «میشائیل هانکه»
امروز در سینما فلسطین



یک ماراتن نفس‌گیر
برای انتخاب



شهرام درخشان
عضو هیئت انتخاب بخش
مسابقه ملی

06

تنهایی و وحشت
در میان آب‌های آرام!

گفت و گو با کارگردان
مستند-داستانی «۱۴روز»



بدون شک ترس و هیجانی که میر عباس
خسروی نژاد و عرفان قاسم‌پور در زمان
ساخت مستند «چهارده روز» تجربه
کرده‌اند بسیار منحصر به فرد است. زندگی
دو هفته‌ای روی سکوهایی گازی آن هم
وسط خلیج فارس چیزی است که شاید
در این مملکت هفتاد میلیونی تجربه
کنندگان به ۱۰۰ هم نرسند.

06

تولد جشنواره سینمایی در جنوب

امسال برای سینمادوستان آبادانی سال ویژه‌ای خواهد بود. برای اولین بار قرار است فیلم‌های برگزیده جشنواره سینما حقیقت بعد از اتمام آن، در شهر آبادان به نمایش درآیند. گامی در جهت بازگشت آبادان و جوانان هنرمندش به صف اول سینمای ایران. آبادان شهری هنرمندخیز است و حضور هنرمندان آبادانی در سینمای ایران طی دوره‌های مختلف بسیار چشمگیر بوده است. حالا پس از دوره‌های کوتاه فترت به نظرم این فرصت خوبی برای کشف استعدادها و بالفعل کردن توانایی‌های هنری ساکنان منطقه است. امیدوارم بعد از این جشنواره، بتوانیم شاهد اتفاق‌های خوبی در آبادان باشیم. نزدیک به یک هفته به برگزاری این جشنواره در آبادان مانده و ما در این روزها با تبلیغات در نشریات دانشجویی و روزنامه‌های شهری و همچنین پخش تیزر در صداوسیما خوزستان سعی داریم مردم را از برگزاری این جشنواره باخبر و آنها را به استقبال از آن دعوت کنیم. فکر کنم تا حدی موفق هم بوده‌ایم و بسیاری از آبادانی‌های علاقه‌مند به سینما برای آغاز این اتفاق سینمایی مهیا شده‌اند. در نظر داریم در این جشنواره بعد از پخش هر فیلم نشست‌های نقد و بررسی با حضور فیلمسازان برگزار کنیم. تجلیل از هنرمندان برجسته خوزستانی به ویژه ناصر تقوایی هم یکی از برنامه‌های این جشنواره در آبادان خواهد بود. از تعداد زیادی از هنرمندان هم دعوت کرده‌ایم در این جشنواره حضور داشته باشند و قرار است در خلال برنامه‌های جشنواره همراه با مدیران از مناطق دیدنی استان خوزستان بازدید کنند. البته قرار است علاوه بر فیلم‌های برگزیده جشنواره حقیقت، فیلم‌های جنوبی که پیش‌تر در جشنواره‌های مختلف شرکت داشته‌اند هم به نمایش درآیند. سعی داریم با مدیران جشنواره فجر گفت‌وگوهایی انجام دهیم تا فیلم‌های برگزیده این فستیوال را هم بتوانیم در این شهر نمایش دهیم. در مجموع در روزهای آینده شاهد تپ‌وتاب سینمایی قابل توجهی در آبادان و دیگر مناطق خوزستان خواهیم بود. امیدواریم با رایزنی‌های مختلف بتوانیم هر ساله جشنواره داخلی جنوب را به صورت مداوم پی بگیریم. قطعاً در راه برگزاری این جشنواره مستقل، از پتانسیل‌های فستیوال‌های فیلم دیگر هم استفاده خواهیم کرد. هفته آینده قلب سینمای مستند ایران در آبادان خواهد تپید.

The Birth of South Film Festival

It is supposed to show the selected films of the Cinema Verite Festival in Abadan for the first time. We hope that such event can take more steps toward stabilizing the Cinema of South. I think it is a unique opportunity to discover talented people and achieve the region residents' full potentials in art. We also hope that we can continue holding this festival annually. Undoubtedly, we are going to use the potentials of other film festivals in the path of holding this independent festival.

مهمانان راضی به خانه برمی‌گردند

سومین روز جشنواره سینما حقیقت میزبان علاقه‌مندان بی‌شمار و چهره‌های آشنا بود. مهمانان از کیفیت فوب فیلم‌ها و کارگاه‌های آموزشی ابراز رضایت می‌کنند



سومین روز هفتمین دوره جشنواره حقیقت با نزدیک شدن به روزهای تعطیل آخر هفته میزبان میهمانان و علاقه‌مندان بیشتری بود. حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی، هوشنگ گلکمانی سردبیر مجله فیلم، انوایما سرنینواسان مدیر جشنواره زنان دهلی و سیروس الوند از جمله چهره‌هایی بودند که در سومین روز برپایی جشنواره برای دیدن فیلم‌ها حاضر شدند.

جشنواره امسال متفاوت است

شهرام میربااقدم، کارگردانی است که در جشنواره امسال فیلم «گرمابان» را در بخش مسابقه ملی و بین‌الملل دارد. او را در حال خروج از سالن یک سینما فلسطین در میان جمعیت زیادی که در سالن اصلی تجمع کرده بودند، پیدا کردم. میربااقدم درباره فیلم‌های جشنواره می‌گوید: «مستندها به نظرم خیلی خوب هستند، مخصوصاً در بخش بین‌الملل چند کار دیدم که شاید تا چند وقت پیش حتی تصور دیدنش را نداشتم اما خوشبختانه در این جشنواره آنها را دیدم.» او که هر سال یا به عنوان تماشاچی یا شرکت‌کننده در جشنواره حضور دارد، جشنواره امسال را متفاوت‌تر از سال‌های قبل می‌داند و توضیح می‌دهد: «فکر می‌کنم امسال جشنواره خیلی متفاوت‌تر است، فیلم‌های خیلی بهتری می‌بینیم. مثلاً فیلم اسکار که دیروز پخش شد، به نظرم فیلم خوبی بود. امیدوارم جشنواره سال دیگر از این هم بهتر بشود.» وقتی می‌پرسم که چقدر امکان دارد امسال جایزه برده، می‌خندد و می‌گوید: «قبلاً هم در جشنواره فیلم حقیقت فیلم داشتم، اما جایزه نگرفتم. در بخش بین‌الملل فیلم‌های خوبی حضور دارند، حال این که قرعه به نام چه کسی بخورد و داوران از کدام فیلم‌ها خوششان بیاید، معلوم نیست.»

جا برای نشستن نبود

سمانه همدانی از مستندسازانی است که در کارگاه‌های تحقیقاتی پژوهشی جشنواره حقیقت شرکت کرده است، او درباره کارگاه «بیان شخصی در فیلم مستند» که در سومین روز جشنواره برگزار شد، می‌گوید: «من فقط در کارگاه امروز شرکت کردم، کارگاه صبح برابم خیلی مفید بود، چون آقای برو دیدگاه جدیدی را مطرح می‌کردند و خوب هم می‌توانستند مطالب را انتقال بدهند. او درباره مدرسه سینمایی در دانمارک صحبت کرد، این که در آنجا چطور با دانشجویها برخورد می‌کنند، روند فیلمسازی مستند برای دانشجوی چطور است و خوب، این‌ها برایم خیلی جالب بود. کارگاه دوم آقای اصلانی هم به نظرم خوب بود، چون با دیدگاه شرقی بیان شخصی در فیلم مستند را برابمان تشریح کردند.» همدانی استقبال از کارگاه‌ها را خوب توصیف می‌کند و توضیح می‌دهد: «حتی در کارگاه بعد از ظهر جا برای نشستن نبود، خیلی از افراد حاضر ایستاده و عده‌ای روی پله‌ها نشسته بودند. من بین کسانی که به کارگاه آمده بودند، حتی چند مستندساز حرفه‌ای دیدم که در جشنواره امسال فیلم دارند.»

غرفه کوچک فیلم و کتاب

سالن اصلی سینما فلسطین محل تجمع کسانی است که منتظر دیدن فیلم‌ها هستند یا کسانی که بعد از تمام شدن نمایش فیلم‌ها می‌خواهند درباره آن‌ها با همدیگر گفت‌وگو کنند، اما در گوشه همین سالن غرفه کوچکی برپا شده که در آن فیلم‌های مستند، فیلم‌های آموزشی و کتاب‌هایی درباره مستندسازی، فیلمنامه‌نویسی و... که به همت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه شده‌اند، به فروش می‌رسد.

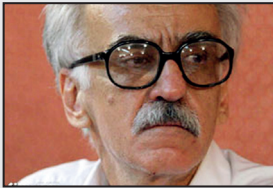
هوالباقی

آقایان علیرضا و مهدی نادری با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت نابهنگام زنده‌یاد سینا نادری را به شما و خانواده محترمان تسلیت می‌گوییم، برای آن مرحوم غفران واسع الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌کنیم.

روابط عمومی جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت



گفته‌ها



محمّد تهامی‌نژاد

سرمایه‌گذاری بر روی فیلم‌های مستند مستلزم سرمایه‌گذاری بر روی آثار پژوهشی این بخش است. در سال‌های اخیر نیز شاهد تعداد کمی کتاب در این زمینه بوده‌ایم، به طوری که در ۱۱۰ سال اخیر و تا سال ۵۷ کمتر از ۱۰ کتاب در مورد سینمای مستند منتشر شد. متأسفانه آرشیو فیلم‌های مستند بر روی پژوهشگران آزاد بسته مانده و امکان دسترسی به این آرشیوها به سختی فراهم می‌شود.



علیرضا رئیسیان

بعد از ثبت تولیدات باکیفیت و نمایش صحیح و موفق فیلم‌ها، باید به مخاطبان این سینما توجه شود. اگر بحث استمرار در نمایش وجود داشته باشد، آن زمان می‌توانیم مخاطبان را دست‌بندی کرده و مورد ارزیابی قرار دهیم، زیرا سینمای مستند سینمای عامه‌پسند نیست. در همه نقاط دنیا سینمای مستند به عنوان یکی از الگوهای نمایشی در کانال‌های خاص و به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده مورد توجه قرار می‌گیرد.



علی سرتیپی

در حال حاضر اگر چه فیلم‌های مستند خوبی ساخته می‌شود، اما متأسفانه امکانات اندکی برای آنها در نظر گرفته می‌شود. از سویی با وجود سالن‌ها و سانس‌های خالی سینما، باز هم سینمای مستند بدون مخاطب باقی می‌ماند. به اعتقاد من زمان آن فرارسیده تا برای آشنایی مخاطب با فیلم‌های مستند، بسترسازی‌های لازم انجام شود. مطمئناً اگر نمایش فیلم مستند به طور منظم برنامه‌ریزی شود، قطعاً با استقبال مردم مواجه خواهد شد.



رئیس در فلسطین

بعد از جشنواره فیلم کوتاه تهران، سینما حقیقت دومین جشنواره ای است که با حضور رئیس جدید سازمان سینمایی برگزار می‌شود. حجت‌الله ابوبی روز گذشته به سینما فلسطین آمد و از نزدیک با روند برپایی جشنواره هفتم آشنا شد. برنامه‌های او و محمد مهدی طباطبایی نژاد، فیلمسازان را به آینده بهتر جشنواره سینما حقیقت و مستندسازی بیش از پیش امیدوار تر کرده. گفت و گوی نشریه روزانه با ابوبی را فرمادی خوانید.

«الفبای سیاست» و «ما همه سربازیم»



مستندهای «الفبای سیاست» و «ما همه سربازیم» یک بار دیگر در جشنواره به نمایش درمی‌آیند. اولی به خاطر استقبال زیاد و دومی به دلیل برطرف شدن نقص فنی. «ما همه سربازیم» ساخته مهدی قربان‌پور که روز گذشته نمایش آن با نقص فنی روبه‌رو شد، امشب ساعت ۲۲ در سالن شماره ۲ فلسطین بعد از پایان پخش دو فیلم «دلنگی‌های یک شهر» و «روده» به نمایش درمی‌آید. «ما همه سربازیم»، درباره تاریخ سربازی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ در ایران است و سه دهه تاریخچه سربازی را در ایران روایت میکند. در این مستند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، هوشنگ گلمکانی و برخی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده حضور دارند. فیلم رفع توقیف شده «الفبای سیاست» هم به دلیل استقبال زیاد روز دوشنبه ۲۵ آذر ساعت ۱۳ در سالن شماره ۱ فلسطین مجدداً به نمایش درمی‌آید. این فیلم را محمدرضا اکبری درباره محمود احمدی‌نژاد، جرج بوش و هوگو چاوز با زبانی طنز ساخته است.

امروز کارگاه تعطیل است



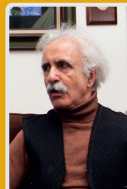
علاقه‌مندان کارگاه‌های آموزشی مطلع باشند که امروز این سمینارها برگزار نمی‌شوند و از فردا شنبه (۲۳ آذرماه) طبق روال روزهای قبل از سرگرفته می‌شوند. شنبه دو کارگاه در موسسه فرهنگی صبا برگزار می‌شود که موضوع اولی استفاده خلاقانه از آرشیو در فیلم مستند است. این کارگاه ساعت ۱۰ صبح شروع می‌شود و سه ساعت ادامه خواهد داشت. ترزا اوپرایان، عضو هیات انتخاب جشنواره اوپن سیتی لندن کشور انگلستان در این کارگاه تجربیاتش را ارائه می‌دهد. ساعت ۱۴ هم کارگاه پیش تولید تا پخش با حضور کلاوس اشتاین یک آلمانی برپا خواهد شد. اشتاین یک مستندساز و استاد دانشگاه مونیخ آلمان است. رائد فریدزاده مدیریت این جلسه‌ها را برعهده دارد. آخرین کارگاه‌های جشنواره هفتم سینما حقیقت هم روز یکشنبه (۲۴ آذر ماه) در دو نوبت صبح و عصر برپا می‌شود. کارگاه صبح که از ساعت ۱۰ آغاز خواهد شد، درباره حقایق دیجیتال در سینمای مستند با حضور حمید رسولی است. هارون پشاشایی و کتابون شهبلی در کارگاه عصر درباره شیوه‌های نوین در توزیع آثار مستند سخن خواهند گفت.

فردا در نشریه روزانه می‌خوانید

07

کاور استوری

گفت‌وگوی شادمهر راستین با محمدرضا اسلانی، مستندساز



10

سینمای ایران

بررسی فیلم‌های «حاج کاظم» و «فشتن بین دو صندلی»



06

گفت و گو

حجت‌الله ابوبی رئیس سازمان سینمایی



و فردا در **کاش** CUT : پرونده‌ای برای مستند پرتره، همراه با گفت‌وگو با جمشید مشایخی



The Avini Night

The review meeting of the 3rd day was held in three separated parts in Cinema Felestin yesterday. One of the meetings was held in the absence of Mehrzad Danesh, as film critic. The main subject was focused on reviewing the selected works of the 4th Shahid Avini Grand Prize. 'Abraham in Fire', 'The Last Days of Winter' and 'Memories for All Seasons' were among those films which were reviewed. The last film was also reviewed by the presence of Hojatoollah Ayoubi and Mehdi Tabatabaei Nejad.

شب آوینی

یک شب با برگزیدگان جایزه بزرگ شهید آوینی در جشنواره بین‌المللی حقیقت

رها نمفی

عاشقانه‌های ابراهیم در جنگ

دومین جلسه نقد و بررسی هفتمین جشنواره مستند حقیقت، با نام «شب آوینی» به بررسی آثار برگزیده چهارمین دوره جایزه بزرگ شهید آوینی اختصاص پیدا کرد؛ جلسه‌ای که به دلیل غیبت مهرداد دانش، بدون منتقد برگزار شد. مستند «ابراهیم در آتش» با حضور یکی از کارگردانان این فیلم در جلسه مورد بحث قرار گرفت.

کیوان علی محمدی: امید بنگذار در سفر بود و نتوانست به این جلسه بیاید. آشنایی من و امید با ابراهیم اصغرزاده قبل از ساخت فیلم کوتاه بود. او یکی از مستندسازان قدیمی بود و ما او را دوست داشتیم. دلمان می‌خواست این مهر و علاقه خودمان را در قالب یک فیلم مستند در بیاوریم. ابراهیم اصغرزاده علاوه بر اینکه مستندساز برجسته‌ای است، شخصیت و نگاه مثبتی دارد، بدون خط‌کشی به آدم‌ها نگاه می‌کند و ... در واقع می‌خواستیم نشان دهیم که می‌شود رزمنده جنگ باشی و کسی که شبیه تو نیست را بپذیری. من و امید تلاش کردیم از نگاه کلیشه‌ای فاصله بگیریم. نوشین خدای، همسر شهید اصغرزاده، کمک زیادی در ساخت این مستند به ما کرد. باید از ایشان و اعتمادی که به ما کردند تشکر کنیم. زمانی که خانم خدای نامه‌های عاشقانه خودشان با آقای اصغرزاده را در اختیار ما گذاشتند، تلاش کردیم تا بُعد عاشقانه زندگی این شهید را هم در مستند به نمایش بگذاریم و کاری کنیم تا فیلم نگاهی واقع‌بینانه‌تری به زندگی این شخصیت داشته باشد.

- ابراهیم در آتش
- مجری: حمیده کیهان پیردهی
- میهمان: کیوان علی محمدی / کارگردان
- موضوع مستند: زندگی و آثار شهید ابراهیم اصغرزاده، مستندساز

فیلمی بر اساس منابع روایت فتح

محمدحسین مهدویان دومین کارگردانی بود که پس از کیوان علی محمدی درباره مستند داستانی «آخرین روزهای زمستان» در جلسه شب آوینی صحبت کرد.

محمدحسین مهدویان: سال ۷۸ زمانی که حبیب‌اله والی نژاد پیشنهاد داد راجع به این مستند کار کنیم علاقه چندانی به ساخت آن نداشتیم، چون بیشتر مستندهایی که در زمینه جنگ ساخته می‌شد، کلیشه‌ای بود. قبل از ساخت مستند، شهید باقری را به عنوان فرمانده جنگ می‌شناختم. اما بعد که تصمیم گرفتیم این مستند را بسازیم، به والی نژاد گفتیم باید فکر کنیم ببینیم چطور می‌توانیم راجع به فرمانده‌ای که سی سال پیش شهید شده فیلم بسازیم. این مستند چهاردهمین اثرم بود و به لحاظ فرم با مستندهای قبلی‌ام تفاوت داشت. مستند داستانی را برای روایت زندگی شهید باقری انتخاب کردیم. بیشتر بخش‌های فیلم بازسازی شده وقایع گذشته است. مستند روایت فتح شهید آوینی، منبع اصلی بازسازی‌های ما بود. از روی این مستند نحوه فیلمبرداری در آن زمان، نوع میزانشن‌ها، لنز دوربین و واکنش فیلمبردار در زمان‌هایی که اتفاقی می‌افتاد را متوجه شدیم. تلاش کردیم تا بخش‌های بازسازی‌شده ما شبیه به فیلم‌های آن دوران بشود.

- آخرین روزهای زمستان
- مجری: حمیده کیهان پیردهی
- میهمان: محمدحسین مهدویان / کارگردان
- موضوع مستند: زندگی شهید غلامحسین افشردی معروف به حسن باقری، فرمانده جوان اطلاعات عملیات و بنیان‌گذار اطلاعات رزمی در جبهه جنوب.

وین جبهه دوم جنگ بود

سومین مستند که جایزه ویژه را در جشنواره شهید آوینی کسب کرده بود، در حالی مورد بررسی قرار گرفت که حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی و مهدی طباطبایی نژاد مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر هفتمین جشنواره سینما حقیقت در این جلسه حضور داشتند.

مصطفی رزاق کریمی: برای تحصیل به اتریش رفته بودم که متوجه شدم مجروحان جنگی را برای درمان به آنجا اعزام کرده‌اند. وقتی متوجه این اتفاق شدم با دوربینی که داشتم به بیمارستان رفتم و لحظات را ثبت کردم. اصلاً فکر نمی‌کردم که روزی آن تصاویر تبدیل به فیلم شود. زمان جنگ ایران و عراق در ایران نبود؛ اما به نظرم وین جبهه دوم بود. برادرم کسی بود که پیشنهاد داد این فیلم را بسازم و شبکه یک هم از ما حمایت کرد. بعد از آن دنبال افرادی گشتم که تصویرشان در این فیلم‌های آرشیوی وجود داشت. سی سال از آن واقعه گذشته بود و عده‌ای شهید شده بودند. تدوین این مستند نزدیک به هشت ماه طول کشید. به نظر من سینمای مستند ما از دوران آوینی به بعد صعودی نداشته است. موضوع جنگ یک واقعیت است، اتفاقی بسیار مهمی افتاده است و این جانبازان هنوز هستند. به نظرم باید به این بخش بیشتر بپردازیم و نگذاریم این واقعه فراموش شود.

مرتضی رزاق کریمی: به نظر من بحث دفاع مقدس فقط بحث این ۸ سال نیست، روحیه‌ای است که مردم ایران باید آن را حفظ کنند. تاریخ ما پر از رشادت‌ها برای حفظ فرهنگ است. ما نیاز داریم تا این ارزش‌ها و اتفاقات حفظ بشود. کشورهایی مثل ژاپن که نزدیک به ۷۰ سال از واقعه بمب هیروشیما می‌گذرد، هنوز درباره این رویداد فیلم می‌سازند.

- خاطراتی برای تمامی فصول
- مجری: حمیده کیهان پیردهی
- میهمانان: مصطفی رزاق کریمی / کارگردان
- مرتضی رزاق کریمی / تهیه‌کننده
- موضوع مستند: در سال ۱۳۶۲ پایتخت کشور اتریش، شهر وین، میزبان مجروحان جنگی بود که برای دوره درمان و بهبودی به آنجا اعزام شدند. این مجروحان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران صدمات شیمیایی جبران‌ناپذیری را متحمل شده بودند.

Eastern View, Western View

The evening workshop was also held on the same subject, but in the form of question and answer session. Mohammad Reza Aslani and Arne Bro were present as the guests. The questions were mostly focused on the method of students' activity in the Cinema School of Denmark and the way through which filmmakers can reach a personal expression.



Danish Experience in Documentary Film

The morning workshop of the 3rd day of the Cinema Verite Festival was held yesterday in Saba Cultural and Art Institute. The subject of seminar was focused on 'Personal Expression' in documentary film. Arne Bro, master of cinema from Denmark, was present as the guest lecturer and Raed Faridzadeh run the session.

نگاه شرقی، نگاه غربی

جلسه پرسش و پاسخ درباره بیان شخصی در فیلم مستند دیروز با حضور آرنه برو و محمدرضا اسلانی برگزار شد

محمدرضا اسلانی

موضوع سمینار: پرسش و پاسخ درباره بیان شخصی در فیلم مستند
مهمانان: محمدرضا اسلانی و آرنه برو

عصر روز پنجشنبه ۱۲ آذر جلسه پرسش و پاسخ «بیان شخصی در فیلم مستند» با حضور محمدرضا اسلانی و آرنه برو برگزار شد. بیشتر پرسش‌های این نشست درباره مدرسه سینمایی دانمارک، شیوه فعالیت دانشجویان و چگونگی رسیدن به بیان شخصی فیلمساز بود.

پاسخ درباره مدرسه سینمایی دانمارک

آرنه برو، استاد دانمارکی سینما در پاسخ به یکی از حاضران که درباره مدرسه سینمایی دانمارک پرسیده بود، این گونه گفت: «مدرسه سینمایی دانمارک مخصوص نخبگان است. من در دپارتمان مستند تدریس می‌کنم. در این دپارتمان از هر نسلی فقط ۶ نفر پذیرفته می‌شود که باید در ابتدا پیشینه خانوادگی به همراه دو فیلمی که قبلاً ساخته برای مدرسه ارسال کند. ما به دنبال استعداد و حساسیت‌های شخصی در هنرمند هستیم، حتی اگر در تحصیلات آکادمی موفق نباشد. برو ادامه داد: «من معتقدم دموکراسی یعنی اینکه هر کسی بتواند به آنچه استعدادش را دارد برسد. در مدرسه ما شاید فردی نتواند نامش را بنویسد؛ اما در کار دیگری مانند کار با دوربین خوب عمل کند. مسلم است دانش به بهتر شدن هنرمند کمک می‌کند و باعث کامل شدن هنر او می‌شود. تجربه من این است هر دانشجویی که سطح متفاوتی از دانش نیاز دارد و استاد باید در میانه راه به آن بپیوندد. اینکه ما در مدرسه در ابتدا از دانشجوی دو فیلم می‌خواهیم؛ یعنی او در این زمینه دانشی دارد و ما می‌خواهیم بدانیم این دانش را چگونه و از کجا به دست آورده و استاد در واقع یک راهنما و هدایت‌کننده است.»

حرف آخر را خود دانشجوی می‌زند

او با اشاره به فیلم‌هایی که در کارگاه صبح نشان داده بود، گفت: فیلم‌هایی که نمایش داده شد، محصول دانشجویان مدرسه ما بود. ما از آنها حمایت کردیم و مورد تشویق شان قرار دادیم اما حرف آخر را خود دانشجویان در فیلم‌هایشان می‌زنند. نکته قابل توجه اهمیتی است که ما به آزادی عمل دانشجویان در موضوع و فرم می‌دهیم.

بیان شخصی در فیلم مستند به روایت اسلانی

پس از پرسش و پاسخ مستندسازان با آرنه برو، محمدرضا اسلانی مستندساز و فیلمساز برجسته کشورمان به تشریح بیان شخصی در فیلم مستند پرداخت. او گفت: «ابتدا باید واقعیت را شناخت. واقعیت شیئی ندارد، بلکه اتفاقی است که می‌افتد.» اسلانی ادامه داد: «ما در فیلم مستند می‌خواهیم اندیشه‌مان را از طریق سند منتقل کنیم. فیلمی که فیلمساز مستند می‌سازد، نشأت گرفته از فردیت اوست، فردیتی که انسان از جهان می‌گیرد و با فردیت خود واقعیت را مطرح می‌کند.» وی ادامه داد: سینمای مستند تصویر کردن خبر، گزارش و یا یک تحقیقات نیست. فیلم مستند مواجهه فیلمساز با جهان و موضوع است و این همان دیدگاه فیلمساز و بیان شخصی او در فیلم است. اسلانی افزود: «هنر امری است یکه و تکثیرپذیر و هنر بودن سینمای مستند در دید و بیان شخصی اوست.»

تجربه‌های دانمارکی

آرنه برو، استاد دانمارکی سینما در سمینار بیان شخصی در فیلم مستند از شیوه کار با دانشجویان مدرسه سینمای دانمارک گفت

کیما شالیف

موضوع: بیان شخصی در فیلم مستند
مهمان: آرنه برو، استاد سینما از کشور دانمارک

سمینار بیان شخصی در فیلم مستند با حضور آرنه برو، استاد سینما از کشور دانمارک روز پنجشنبه ۱۲ آذر در موسسه فرهنگی هنری صبا برگزار شد. مدیریت جلسه را رائد فریدزاده بر عهده داشت.

زبان مناسب سینما برای بیان مسائل اجتماعی

«آرنه برو» ابتدا پس از معرفی خود، سینما را زبان مناسبی برای بیان مسائل اجتماعی دانست. او سپس درباره سینمای مستند اروپا و به خصوص دانمارک سخن گفت: «جریان سینمای مستند و ژورنالیست از دل جنگ جهانی دوم به وجود آمد. در دانمارک از حدود ۳۰ سال پیش سینمای مستند تبدیل به تبلیغ و پروپاگاندا شد، از این رو مردم از مستند خسته و به سوی شوهای تلویزیونی و کمدی‌های سهل‌الوصول روی آوردند؛ اما بعد از مدتی جامعه نسبت به فیلم‌های مستند و اطلاع‌رسانی آن‌ها احساس نیاز کرد. برو این طور ادامه داد: «در سینمای مستند دو منفعت وجود دارد. اول برای جامعه بشری که نیاز به اطلاع‌رسانی دارد، دوم برای هنرمندان که آنچه درونشان هست را بیان کنند.»

پیام باید خوب منتقل شود

به عقیده «برو» حقیقت یک فکر برآمده از حس انسان است. او در این باره گفت: اگر هنرمند بتواند پیامش را به درستی منتقل کند روی مخاطب تاثیر می‌گذارد، حتی اگر با آن پیام موافق نباشد. کار هنرمند موافق کردن مخاطب با پیام نیست، بلکه تحت تاثیر قرار دادن اوست و این آن چیزی است که هنرمندان می‌خواهند.

شیوه تعامل مدرسه سینمای دانمارک با دانشجویان

این استاد سینما در ادامه شیوه تعامل مدرسه سینمای دانمارک با دانشجویان را تشریح کرد. «برو» گفت: ما در این مدرسه به کسی نمی‌گوییم چه چیزی خوب و یا چه چیزی بد است، بلکه از پیشینه خانوادگی دانشجویان برای خلق آثار هنری‌شان استفاده می‌کنیم. ما باید بدانیم چه درکی از بشر و دانشجویان داریم و باید به تجربیات یک فرد در زندگی‌اش بدون قضاوت ارج نهمیم. باید بدانیم دانشجوی قبل از ورود به این مدرسه چه تجربیات و مشاهداتی داشته و چه درکی از جامعه دارد، اما باید بدانیم تاثیر جامعه روی افراد چگونه خواهد بود. درباره این مسائل با دانشجویان صحبت می‌کنیم تا توقع آن‌ها را در یابیم. می‌خواهیم بدانیم هنر از دل هنرمند بیرون می‌آید یا از طریق مدرسه تزیین می‌شود.»

نمایش شش فیلم از مدرسه دانمارک

«برو» با نمایش بخش‌هایی از ۶ فیلم مستند که توسط فارغ‌التحصیلان مدرسه سینمایی دانمارک ساخته شده بود، به بیان دیدگاه‌های شخصی آن‌ها در فیلم پرداخت. او در ابتدا توضیحاتی درباره فیلمساز، پیشینه و سوابق خانوادگی آن‌ها ارائه کرد و سپس به نقاط مشابه فیلم و زندگی شخصی فیلمساز پرداخت. نکاتی که هنرمند فیلمساز در زندگی تحت تاثیر آن‌ها بوده و با به تصویر کشیدن آنها روی مخاطب تاثیر گذاشته. این فیلم‌ها با رویکردهای مختلف حس‌های متفاوت را نشان می‌دهد؛ حس‌هایی که ناشی از تجربه فیلمساز در زندگی است مانند تنهایی، غربت، درد و رنج در کودکی و عشق.

We Had Plenty of Time for Selecting Films This Year

Shahram Derakhshan, member of the Selection Committee, talked about the quality of works selected for this year's festival. He believes that the members of Selection Committee had got plenty of time to make choices among the films, because they watched all the works individually. In an exclusive interview, he mentioned that unfortunately the quality of many works was low and under-average if we want to judge them based on statistical comparison. "But, the hopeful and encouraging point is that we also had a considerable number of qualified", emphasized Derakhshan. He strongly believes that this festival is the only opportunity for documentary filmmakers to show their works.



یک مارا تن نفس گیر برای انتخاب

شهرام درخشان، عضو هیئت انتخاب بخش مسابقه ملی از کیفیت آثار جشنواره هفتم می گوید. او معتقد است امسال اعضای هیئت انتخاب به خاطر تماشای فردی آثار فرصت بیشتری برای گزینش فیلم‌ها داشته‌اند



رضا مقدم

r.moghadam@alumni.ut.ac.ir

شهرام درخشان یکی از اعضای هیئت انتخاب بخش مسابقه ملی هفتمین جشنواره سینما حقیقت است. او کار گزینش فیلم‌ها در بخش‌های دینی و آئینی، علمی و زیست محیطی و دفاع مقدس و انقلاب اسلامی را برعهده داشته. سراغ این مستندساز رفتیم و دیدگاهش را درباره کم و کیف فیلم‌های این سه بخش جویا شدیم.

جناب درخشان، سطح کیفی آثار دریافتی جشنواره امسال را چگونه دیدید؟

اگر بخواهیم نسبت آماری ببندیم متأسفانه کیفیت بسیاری از آثار در حد متوسط و پایین‌تر از متوسط بود. با این حال فیلم‌های دیدنی و دارای کیفیت نیز بیشتر از آن بود که به عنوان هیئت انتخاب حق داشتیم انتخاب کنیم. و از این نظر جای امیدواری و دلگرمی دارد. اما اگر هم بخواهیم آثار ارسال شده در هر بخش را در نظر بگیریم فکر می‌کنم فیلم‌های تاریخی و زیست محیطی دارای کیفیت بهتری بودند تا آثاری که در بخش آئینی و دینی حضور داشتند. فیلم‌های جنگ و انقلاب نیز در این جشنواره و در قیاس با دو بخش ذکر شده در حد میانه قرار می‌گیرند.

درباره شکل دآوری و روند انتخاب فیلم‌های برگزیده کمی توضیح می‌دهید؟

امسال آثار ارسالی را به شکل فردی دیدیم. معمولاً این کار به صورت جمعی انجام می‌شود. با این حال در این دوره قرار بر این شد که هر دآوری به تنهایی فیلم‌ها را ارزیابی کند. حسن این کار در این بود که فرصت بیشتری برای تماشا داشتیم. در نهایت نیز اعضای هیئت انتخاب بنا به امتیازهایی که به هر اثر داده بودند جلسه‌ای تشکیل دادند و در ابتدا به فیلم‌هایی که امتیاز بیشتری گرفته بودند توجه شد و سپس به زمانی که برای هر بخش در نظر گرفته شده بود. مثلاً ما می‌توانستیم در بخش تاریخی فقط ۱۵۰ دقیقه فیلم انتخاب کنیم. که البته زمان کمی است. بنابراین از میان آثاری که امتیاز بالاتری گرفته بودند می‌بایست فیلم‌های کمتر، اما برتری را به عنوان آثار راه یافته به بخش مسابقه معرفی کنیم. البته گاهی از این دقایق به اصرار و پافشاری گذشتیم. دبیرخانه نیز همکاری کرد و کمی بیش از آن چه قرار بود توانستیم انتخاب کنیم.

آیا فرصت کردید همه فیلم‌ها را ببینید؟

مگر می‌شود فیلم‌ها را ندیدیم؟ ما موظف به دیدن فیلم‌ها بودیم نه ندیدن آنها! جای حیرت دارد اگر دآوری بگوید فیلمی را ندیدم! برای تماشا و ارزیابی تمامی این آثار روزی بیش از ۱۴ یا ۱۵ ساعت وقت می‌گذاشتیم. مارا تن تماشا بود! وقتی کسانی به شما اطمینان می‌کنند نمی‌توانید با آسان‌گیری بر خود، حق این تعداد فیلمساز را زیر پا بگذارید. حتی فیلم‌هایی که قبلاً هم دیده بودم را این بار با دیدی دیگر نگاه می‌کردم. و حتی مجبور می‌شدم برای دادن امتیازی دقیق‌تر، و برای مقایسه میان دو اثر، فیلمی را دو بار ببینم.

پس زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اوضاع و احوال امروز کشورمان در فیلم‌ها مشاهده می‌شود یا اینکه فیلم‌ها در بستری انتزاعی از این شرایط ساخته شده‌اند؟

تا حدی بله و تا حدی نه! آثار مستند این دوره تماماً بازنمایی آن چه در جامعه امروزمان می‌گذرد نبود، اما نمایش گوشه‌ای و زاویه‌ای از بسیار ابعاد و زوایای موجود هم غنیمت است! ما در پرداختن به بخش‌هایی شدیداً دچار ضعفیم. خلاء موجود هم چندان بزرگ و گسترده است که به چشم می‌آید و انکارپذیر نیست. با این توجه، ملاحظات و مرزبندی‌ها مانع جدی و اصلی پرداخت فراگیر و کامل می‌شود. از طرفی باید به مستندسازان نیز حق داد. چرا که سرمایه‌گذاران و سفارش‌دهندگان آثار مستند معمولاً دولتی و یا وابسته به بخش‌های دولتی‌اند و طبیعتاً حاضر نیستند به برخی از موضوعات پرداخته شود. واهمه از انگ سیاه‌نمایی و یا ترس‌هایی مشابه آن، باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران رغبتی به مستندنمایی آثار در موضوعاتی خاص نشان ندهند. اهداف خود را دنبال می‌کنند و شرایط خاص را مطرح می‌کنند. بخش خصوصی هم که عملاً در سینمای مستند جلوه و نمود برجسته ندارد.

انتخاب فیلم‌های بخش مسابقه برایتان دشوار بود؟

منظورم این است که فاصله فیلم‌ها به لحاظ کیفی آنقدر به هم نزدیک نبود که شما را در انتخاب نهایی دچار مشکل کند؟

در بخش‌هایی نه! متأسفم که این را می‌گویم ولی حقیقت این است که بسیاری از این آثار برای انتخاب شدن جدال آفرین نبودند! وقتی در پایان کار با دو عضو محترم هیئت انتخاب جلسه‌ای تشکیل دادیم مجبور به مباحثه و جدل نشدیم. بیشتر آثار را همچون هم انتخاب کرده بودیم. گاهی و در معدودی از فیلم‌ها ممکن بود که یکی از ما بیشتر یا کمتر امتیاز داده بود که آن هم چندان پرشمار نبود و در مجموع اختلاف رأی نداشتیم. مایل بودیم که به ما زمان بیشتری برای انتخاب می‌دادند که مثلاً به جای ۲۰۰ دقیقه در یک بخش می‌توانستیم ۳۰۰ دقیقه یا بیشتر حق انتخاب داشته باشیم اما باید پذیرفت که زمان جشنواره و تعداد سانس‌های سینما را نیز می‌بایست در نظر داشت و همچنین فراوانی آثار نیز از طرفی کیفیت جشنواره را تنزل می‌داد. بنابراین مجبور به انتخاب‌های محدودتری شدیم. در مجموع آنچه باعث اختلاف جدی و تردید در انتخاب باشد چندان وجود نداشت.

وضعیت آثار سینماگران جوان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

توجه فیلمسازان جوان را به این نکته جلب می‌کنم که در انتخاب موضوعات‌شان کمی پرمطالعه‌تر و با زاویه دید گسترده‌تری عمل کنند. به عنوان مثال بیشترین آثار ارسالی در بخش دینی و آئینی امسال فقط و فقط به تصویر کردن مراسم تاسوعا و عاشورا محدود می‌شد! مگر این دو روز تنها جلوه از دین است؟! آیا دین معنایی جز از عزاداری ندارد؟! آیا هیچ موضوعی دیگر از دین و یا آیین نمی‌توان پیدا کرد که قابلیت فیلم شدن داشته باشد؟! مستند دینی می‌تواند دامنه‌ای بسیار وسیع‌تر از آن چه امروزه سرمایه‌گذاران می‌طلبند و مستندسازان می‌پذیرند دارد که یا به دلیل سختی کار و یا پیچیدگی معانی آن کسی حاضر نیست بدان‌ها بپردازد. همین طور در بخش‌های دیگر مانند اجتماعی و تاریخی و جنگ و انقلاب و... کاش لزوم پرداخت بهتر و همه جانبه‌تر به این موضوعات بیش از این مطرح باشد.

ناصر تقوایی

متولد: ۱۳۲۰.....
تحصیلات:..... دیپلم ریاضی
آغاز فعالیت هنری:..... ۲۵ سالگی

فیلم های مستند

تاکسی متر..... ۱۳۴۵
بادجن..... ۱۳۴۵
آر ایشگاه آفتاب..... ۱۳۴۶
نانخورهای بی سواد..... ۱۳۴۶
نخل..... ۱۳۴۶
فروغ فرخزاد..... ۱۳۴۶
رقص شمشیر..... ۱۳۴۶
اربعین..... ۱۳۴۹
مشهد قالی..... ۱۳۵۰
زار (موسیقی جنوب)..... ۱۳۵۰
پنجشنبه بازار میناب..... ۱۳۵۰
پیش..... ۱۳۷۶
تمرین آخر..... ۱۳۸۳
باغ بهشت..... ۱۳۸۵

فیلم های داستانی

صادق کرده..... ۱۳۵۰
آرامش در حضور دیگران..... ۱۳۴۹
نفرین..... ۱۳۵۲
ناخدا خورشید..... ۱۳۶۵
ای ایران..... ۱۳۶۸
کشتی یونانی..... ۱۳۷۷
کاغذ بی خط..... ۱۳۸۰
زنگی و رومی..... نیمه تمام
چای تلخ..... نیمه تمام

افتخارات

کاغذ بی خط

سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیات داوران
بیستمین جشنواره فیلم فجر

ناخدا خورشید

جایزه یوزپلنگ برنزی از جشنواره فیلم
لوکارنو/ ۱۹۸۸

رهایی

تندیس طلایی جشنواره فیلم
سان فرانسیسکو در سال / ۱۹۷۲
جایزه بزرگ فیلمهای کودکان جشنواره ونیز

مرد
بی جانشین

زاویه دید

ناصر تقوایی یکی از استوانه‌های سینمای ایران است. شاید تنها سه یا چهار نام همتراز او در تاریخ سینمای ایران حضور داشته باشند. او را به عنوان یکی از سه چهره آغازگر موج نوی سینمای ایران می‌دانند. مردی که یکی از بهترین فیلم‌های پیش از انقلاب را ساخت (آرامش در حضور دیگران) و یکی از بهترین فیلم‌های پس از انقلاب نیز نام او را به عنوان خالق حمل می‌کند (ناخدا خورشید) هنرمندی که بهترین سریال پیش از انقلاب به اسم اوست (دایی جان ناپلئون) و بانی یکی از بهترین سریال‌های پس از انقلاب است (کوچک جنگلی). فیلمسازی که در عرصه داستان‌نویسی در دهه ۰۴ توجه همه صاحب‌نظران را به خود جلب کرد و یکی از نام‌آوران موج نوی ادبیات جنوب لقب گرفت. فقط این‌ها نیست: «کاغذ بی خط»، «نفرین» و «ای ایران» نمونه‌های دیگری از سبک این مرد فرهیخته و سرسخت سینمای ایران است. اما باز هم هست: این مرد هنرمند صریح‌اللهجه در عرصه سینمای مستند نیز نامی بلندآوازه دارد. آثاری چون اربعین، باد جنوب، زار، مشهد اردهال و... از گنجینه‌های سینمای مستند ایران هستند. نشانه‌هایی از نگاه تیزبینانه و هنرمندانه با حفظ ملاکها و معیارهایی که استاندارد پژوهشی و مردم‌شناسی سینمای مستند ایران را نیز ترقی داد این آثار در دیدار دوباره و پس از ۴ دهه همچنان موثر و نافذ هستند. سندهایی از زندگی مردمان ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ نمی‌توان کتمان کرد که در آثار سینمایی‌اش نیز وسواس و تقیدش به انعکاس دقیق و مردم‌شناسانه شرایط زندگی و جغرافیای محل وقوع اتفاقات نیز ناشی از سابقه درخشان او در سینمای مستند هستند. او در سال ۶۵ ناخدا خورشید را با اقتباسی از داستان مشهور همینگوی، در جغرافیای بندر لنگه دهه ۳۰ ساخت. بازآفرینی او از شرایط زیستی در دهه ۳۰ این بندر جنوبی آن چنان دقیق و موشکافانه است که می‌تواند به عنوان سقف باورپذیری تاریخی در یک فیلم سینمایی ایرانی جایگاهی خدشه‌ناپذیر داشته باشد. یک سند مستند از زندگی مردم جنوب که با خلاقیت ناصر تقوایی بازآفرینی شده است.

آرش خوشخو

هر فیلم برایم تجربه‌ای است تازه



مستند های ناصر تقوایی از آثار تحسین شده کارنامه هنری او است. روایت جذاب این کارگردان درباره ساخته‌های مستندش ، علاقه‌مندی اش به سینما و ورودش به این عرصه را بخوانید

تألیف: مریم امیرپور

mailto:mariaamirpour@gmail.com

چشمنواز ه هفتمه سینما حقیقت فرصت مغتنمی است برای تماشای دوباره آثار مستند ناصر تقوایی. در چشمنواز امسال سه فیلم تحسین شده او یعنی «اربعین»، «باد جن» و «مشهد قالی» امروز در بخش جنبی به نمایش در می آیند. او برخلاف کارنامه سینمایی داستانی اش که تعداد کمی فیلم در آن به ثبت رسیده، کارنامه آثار مستندش بلند بالاد است. تقوایی در گفت‌وگوها و نشست‌های مختلف درباره این آثار و همچنین نگاهش به هنر سینما و عکاسی سخن گفته که در این مجال مروری داریم بر تمام گفته‌های جالب او در این باره.

برای این‌که گروه بیشتری از مردم با سینما ارتباط دارند تا با شعر و ادبیات از آن طرف سینما هم به لحاظ بصری سند قوی‌تری است، چون در واقعیت شکل می‌گیرد، به همین دلیل همیشه نسبت به سینما سخت‌گیرترند. از طرف دیگر نگاه درستی هم وجود ندارد.

❑ فیلم واقع‌گر مستند نیست ❑

زمینه فیلم مستند ارتباط بیشتری با جغرافیا و فرهنگ دارد؛ اما کمتر فیلم مستندی در میان آثار زیادی که در طول سال ساخته می‌شوند، ما را کاملا جذب می‌کند. این فیلمسازها با اولین نمونه‌هایی که برخورد می‌کنند، به صرف اینکه واقعیت است شروع به ضبط آن می‌کنند. حتی مدعی هستند یک فیلم واقع‌گرا، به عنوان یک فیلم مستند ساخته‌اند. چه کسی گفته آن اجرایی که ضبط‌شده واقع‌گراانه است که شما به آن سندیت می‌دهید؟ مثلا مردم چنین کاری را انجام داده‌اند، کار اصلی ساخته یکی مراسم سینمایی را ضبط کرده و معتقد است چون است، من مطابقا این را قبول ندارم، چه کسی گفته آن سینمایی اصل بوده؟ خود من وقتی بخواهم چنین کاری بکنم و در همان موردی که مثال زدید، از بین همه آن‌هایی که دیدم اصل تر، انتخاب می‌کنم. اصالت بومی، به معنای قدیمی بودن نیست. اصالت بیشتر به معنی بومی بودن است و اینکه هر واقعه‌ای در یک فرهنگ و جغرافیا چطور اتفاق می‌افتد؟ هر حال این موارد گاهی برای من مشکلاکی هم به وجود آورده است.



❑ شروع کار هنری با عکاسی ❑

من کلاس دوم ابتدایی بودم که دو اتفاق برایم افتاد. یک همکلاسی داشتیم که پدرش در کوبت کار می‌کرد و وقتی به ایران آمد، برایش به عنوان سونوگرافی‌گر پروژکتور هشت میلی‌متری آورد و مقداری هم فیلم، آن‌ها فیلم‌های کوتاه کمدهین‌ها بودند. دیدن همین فیلم‌ها من را به سینما علاقمند کرد. ضمن این‌که همان زمان در مدرسه برای ما کلاس‌های نقاشی، موسیقی، خطاطی و... گذاشتند. یعنی این‌ها جزو درس‌های مدرسمان بود و در کارنامه‌هایمان منظور می‌شد. نقاشی‌ام بد نبود و به‌خصوص در سیاق‌م مهارت داشتم، بنابراین معلم نقاشی‌مان یک دوربین عکاسی به من هدیه داد. از این دوربین‌های جمع‌بندی بود که آن زمان در بازار ۱۵-۱۰ تومان قیمت داشت. فیلم ۶ در ۶ هم رویشان می‌خورد. دوربین تا مصرف نگاتیوش بالا نبود، در اصل این دوربین‌ها را برای فروش خرده بود. من با همین دوربین شروع به عکاسی کردم. بعدها تا دوره دبیرم به شکل رسمی عکاسی کلاس شده بودم. عادلان این بود که روزهای تعطیل به اصطلاح یک «گنگ» می‌شدیم و به خارج از شهر می‌رفتیم و در همه این برنامه‌ها عکاسی برعهده من بود. هنوز هم آن عکس‌ها را دارم البته عکاسی به معنای هنری‌اش نبوده؛ اما باعث شد تا من کم‌کم با عکاسی آشنا شوم. بنابراین سابقه عکاسی جدی من به قضا از سنبله ۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۰



Each Film Is a New Experience to Me

نasser Taghvaei's documentaries are among his most admired works. Here you can follow his interesting account of how he became interested in cinema and what happened later. The ۷th Cinema Verite Iran Documentary Film Festival is a unique opportunity to review Nasser Taghvaei's documentary works. As he says himself, he has not got any academic certificate and learnt about cinema through watching movies. Taghvaei believes that reading books is an important factor which cannot be replaced by any other thing. "I've traveled across Iran for many times. Cinema made me look differently toward the things around me through my journeys. None of my works are similar to each other, regarding their subjects and geographical regions", Taghvaei emphasized. He explained that each film is a new experience for him, so he always escapes from repeating his previous works. Taghvaei remarked that the background of documentary is more related to geography and culture, but among a large number of documentaries made during a year, you can rarely see a documentary film which totally attracts you. He indicates, "There are some filmmakers who start to shoot a film, as soon as they face with something they suppose as reality. The worse thing is that they claim they've made a realistic film as documentary". Taghvaei also mentioned Tokyo Festival, when Abbas Kiarostami had selected a few documentary films by Iranian filmmakers based on his own taste. As he says, the interesting point was that a new generation of Japanese filmmakers slept behind the door of movie theaters in order to watch the next day's films which were Iranian.

چنین برنامه‌هایی گاهی همان گذشته هم ممنوع می‌شد و الان هم ممنوع است در حالی که ما باید ریشه‌های خودمان را بشناسیم و بدانیم که این موسیقی‌ها برای درمان بیماری‌ها قابل استفاده هستند. گذشتار مستند «لان جن» را احمد شامو بر عهده داشت که وقتی به او گفتم این کار را انجام می‌دهد یا خیر، خیلی سریع قبول کرد. هر چند صحت بود در تغییر می‌خواهد در متن آن بداند اما واژه‌ای را عوض نکرد.

روایت ساخت «توربین آبی»
فرمی از یونسکو آمده بود تا برای ثبت توزیه در این سازمان باید فیلم ۱۰ دقیقه‌ای درباره آلبس در توزیه، موسیقی و شیوه بازیگری آن ساخته شود تا ضمیمه مدارک ثبت توزیه شود و ما به دلیل زمان کم مجبور بودیم در چند توربین برای ساخت فیلم بلند یک ساعته درباره توزیه این فیلم ۱۰ دقیقه‌ای را هم بسازیم. **لایحه در صفحه ۱۴**

شگفتی ژاپنی‌ها از فیلم‌های مستند ایرانی



چند سال قبل در فستیوال «توکيو» عباس كيارستى چند فيلم مستند را با سايقه خودش از كار مستندسازان انتخاب كرده بود تا در اجا نمايش داده شود. نکته جالب اين بود كه سسل جديد ژاپن شب پست در سان مي خوابيدند تا فوا فيلم‌ها را ببينند. در يكي از نشست‌هاي مربوط به اين فيلم‌ها دختر جواني از من پرسيد شما كشور صنعتي‌اي نيسيد؟ پس چگونه چنين سيمي سيمي رشد يافته‌اي داريد؟ و من فقط در جواب او يك سوال پرسيدم آن هم اين بود كه فيلمسازان ما با آزادي فيلم مي‌سازند كه شما آن‌ها را مي‌سازيد، پس فيلم‌هاي خود شما كجاست؟

جنگ عكاسي ايران را جهاني كرد



عكس در ايران به عنوان يك اثر تيرتبي مثل نقاشي سايقه چنداني ندارد. قبل از انقلاب «احمد علي» و چند نفر ديگر عكاسان در چه يكي بودند؛ اما تعدادشان اندك بود. ولي توره جنگ عكاسي ايران حیات بین‌المللی پیدا کرد. تا پیش از آن اصلاً تصور نمی‌شد که عکس‌های ایرانی در این سطح در جهان منتشر شود. بعد از آن هم عکس‌های هنری گرفته شد و دوباره غری‌ها را با شکل دیگری از عکاسی ما آشنا کردند. حتی می‌توانم بگویم با این اتفاق خود ما نیز به مرور با عکاسی خودمان آشنا شدیم.



در مستند «ایرین» شاهد اوج یک فستیوال موسیقی هستیم. در این مستند بهترین طبل‌های دنیا نوازندگی می‌کنند و پخش (مباح پوشش) کرد که این نام مستعار هنری را برای خودش انتخاب کرده می‌خوانسته. از قید و بند تعاقبات خودش آزاد کند. «ایرین» در پوشش ضبط شده و مستنداً در آن سفری که این فیلم را بسازیم، به تاهستان بخوردم. هوا گرم بود و مردم لباس‌هایشان را در آورده بودند. حالا چون بدون لباس سینه‌زن هستند، بدون حجاب چون دیدن هر کاری که داشتم خواسته با این فیلم انجام دادند. با همین دستکاری و به همین سادگی، یک فیلم اصلی به یک فیلم قلابی تبدیل شد. حتی می‌توانم از دیدنی وسیع‌تر به این مسئله نگاه کنم. هر وقت می‌خوانیم بگرینم کلایی خوب نیست یا زیاد بد نیست می‌گوئیم «وطنی» است در مقابل این اصطلاح، واژه «لهی» را هم داریم. چه تفاوتی بین این دو گونه وجود دارد؟ فیلم، ادبیات، و حتی عکس وطنی محصولات داخل مملکت است اما توانایی بیرون رفتن از مرزهای فرهنگی خودش را ندارد. کدام فیلم‌فارسی را سراغ دارید که در خارج از مرزهای ایران موفق شده باشد؟ اما فیلم‌های دیگری هم داریم که به آنها فیلم‌های فرهنگی می‌گوئیم و نه تنها به دلیل فرهنگی بودنشان بلکه به دلایل دیگری توانسته‌اند از مرزها گذر کنند. در فرهنگ‌های دیگر فهمیده شوند و حتی طرفدار پیدا کنند. «هنر ملی» یعنی همین «هنر ملی» یعنی مسائل بومی جنزاقی‌خودتان را طوری بگریند که در فرهنگ‌های دیگر هم فهمیده شوند. چرا فیلم «لهی حانی» در خارج از مرزهای ایران از نظر برد ارتباطی موفق نیست اما در جغرافیای خودمان به راحتی با ارتباط برقرار می‌کنیم؟ ولی به عکس، چرا فیلم‌های «سایا چیت رای» که اتفاق در هند خوب درک نمی‌شوند، در دیگر کشورها دنیا درک می‌شوند؟ او می‌تواند مسائل بسیار اصلی هند را طوری بگوید که حتی یک سرخپوست امریکایی هم آن را بفهمد.

ساخت مستند «واد جن» و وساطت مادر
مستند «صدا جن» درباره مراسم خاصی در جنوب ایران است که در آن عده‌ای برای درمان کسانی که دچار بیماری روانی هستند، موسیقی‌های مختلفی را با

من در ایران خیلی سفر کرده‌ام. سینما باعث شد که این سفرها با آگاهی و نگاه دیگری انجام شود. فیلم‌های دیگر را انجام دادیم. من نه به لحاظ موضوع و نه به لحاظ جغرافیایی هیچ‌یک شبیه نمی‌بینیم و با یکدیگر متفاوت هستند

دانشگاه و فرهنگ

اگر اطلاعاتی که درباره من مخصوصاً از ساقه تحصیلاتم وجود دارد اشتباه است چون اصلاً دانشگاه نرفتم. در حالی که خیلی‌ها فکر می‌کنند من فارغ‌التحصیل رشته ادبیات و زبان فارسی از دانشگاه تهران هستم. من در زمانی حارم و معلم هم حدود ۱۰ بودم. رشته ریاضی را هم از این جهت انتخاب کردم چون ریاضیات ضعیف بود می‌خوانسم پایه ریاضی‌ام قوی شود.

فیلم‌ها به هم شبیه نیستند

در ایران خیلی سفر کردم. سینما باعث شد که این سفرها با آگاهی و نگاه دیگری انجام شود. فیلم‌های من نه به لحاظ موضوع و نه به لحاظ جغرافیایی هیچ‌یک شبیه هم نیستند و با یکدیگر متفاوت هستند. هیچ‌وقت کاری را که موفق بوده است مدل کار بعدی‌ام قرار ندادم؛ اتفاقاً به شکل آگاهانه‌ای از آن فرار هم کرده‌ام. بعضی مدام خودشان را تکرار می‌کنند، اما من در هر سنی که باشم، هر فیلم برام یک تجربه تازه است. می‌خوانسم فیلم پلیس بسازم؛ اما یک فیلم پلیس ایرانی یا یک فیلم روانکاوانه ایرانی بسازم که برای جامعه خودمان باشد و به همین دلیل «توربین» را ساختم. این کار مهمی است که شاید با نسل ما در سینمای ایران شروع شد و فیلم‌هایمان یک هویت ایرانی پیدا کرد. فیلم‌های ما سال‌ها مدام از هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر تاثیر می‌گرفت، مثلاً عرب‌ها و هندی‌ها رفتند و سینمای ما آواز دادند و فیلم‌های وسترن بکش‌بکش را و هر کسی چیزی به سینمای ما داده بود، مردم هم این‌ها را دوست داشتند و می‌رفتند این فیلم‌ها را می‌دیدند، ولی از دهه ۴۰ دیگر واقعاً روحیه ایرانی و مسائل ایرانی وارد کار ما شد. اگر هم تعدادشان زیاد نیست به دلیل فشار سانسور است. سانسور در ایران با سینما شدت گرفت.

سیاسی اقتصادی

دلتنگی‌های یک شهر
 کارگردان: هوشنگ میرزایی
 درباره فیلم: مستندی از دو روستای فاقد امکانات در استان لرستان که از نعمت داشتن آب آشامیدنی سالم محروم هستند. هر نماینده‌ای که به این دو روستا سفر می‌کند وعده‌ای می‌دهد که هیچ‌گاه عملی نمی‌شود و ...



داستان تلخ دو روستا

هوشنگ میرزایی از ساخت دلتنگی‌های یک شهر می‌گوید

موضوع اصلی فیلم «دلتنگی‌های یک شهر» وعده‌های انتخاباتی است که برخی نمایندگان مجلس در بازدید از این مناطق به مردم می‌دهند اما پس از انتخاب همه چیز را فراموش می‌کنند. در این مستند انتخابات بهانه‌ای است تا به این واسطه معضلات اجتماعی، فرهنگی و کمبودهای رفاهی و اقتصادی این مناطق در حاشیه تبلیغات انتخاباتی، به تصویر کشیده شود. در این فیلم سراغ یکی از شهرهای محروم لرستان رفتیم که شکل انتخابات در آن شهر با همه جای ایران تفاوت دارد. مردم این منطقه همواره با اشتیاق، شور و شوق زیادی در انتخابات حضوری حداکثری دارند به این امید که تغییری در شرایط زندگی و معیشتی آن‌ها رخ دهد. این شهر براساس آمار رتبه اول بیکاری و گرایش به اعتیاد را دارد و با وجود مشارکت فراوان مردمش همواره اتفاقات دردناک و تلخی در این منطقه رخ می‌دهد. اما خوشبختانه ساخت این فیلم سبب شد که برای این دو روستایی که حدود ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد، لوله‌کشی آب آشامیدنی شود. همه کارهای این مستند را خودم به تنهایی انجام دادم ولی به احتمال زیاد مخاطب زیادی خواهد داشت. در فیلمم معضلات امنیتی و اجتماعی در یک شهر ۲۵۰ هزار نفری که یک بخشی از کشور است بیان می‌شود؛ ولی بیان این مشکلات باید به گوش مسئولان ما برسد. بزرگ ترین ویژگی این فیلم تاثیرگذاری است که بر جای گذاشته و منجر به اتفاقی بزرگ در این روستاها شده است.



تنهایی و وحشت در میان آب‌های آرام!

میرعباس خسروی نژاد و عرفان قاسم پور در مستند چهارده روز به بررسی وضعیت زندگی روزمره ساکنان سکوی گازی میان خلیج فارس پرداخته اند



محمّد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

بدون شک ترس و هیجانی که میرعباس خسروی نژاد و عرفان قاسم پور در زمان ساخت مستند «چهارده روز» تجربه کرده‌اند بسیار منحصر به فرد است. زندگی دو هفته‌ای روی سکوی گازی آن هم وسط خلیج فارس چیزی است که شاید در این مملکت هفتاد میلیون تجربه کنندگانش به ۱۰۰ هم نرسند. این مستند داستان کارگری است که در آشپزخانه سکوی گازی خلیج فارس کار می‌کند. او برای عروسی‌اش که ۱۴ روز بعد قرار است برپا شود برنامه‌ریزی می‌کند، ولی با مشکلاتی مواجه می‌شود. گفتگوی ما با میرعباس خسروی نژاد یکی از دو کارگردان مستند «چهارده روز» در خصوص شرایط تولید این کار ۲۱ دقیقه‌ای است.

ساخت این مستند با توجه به اینکه روی سکوی گازی انجام شده قطعاً یک سری مشکلات خاص خودش را هم داشته، چند روز کار ساخت این مستند طول کشیده است؟

سکوی گازی مخصوصاً سکوی «1 QPS» که در مرز قطر قرار دارد و سکوی مرکزی محسوب می‌شود و ما هم فیلم خودمان را آن جا ساختیم، دارای شرایط امنیتی خاصی هستند. به همین دلیل در سه مرحله روی سکو رفتیم. بار اول تقریباً یک روز کامل آن جا بودیم، ماه بعد چهار روز اجازه حضور داشتم و تحقیقاتمان را کامل کردیم و برای تصویربرداری هم نزدیک به دو هفته آن جا بودیم. البته در این مدت علاوه بر مستند «۱۴ روز» یک کار دیگر را هم فیلمبرداری کردیم.

چه شد که به این سوژه رسیدید؟

حقیقتش ما برای انجام کار دیگری به آن جا رفته بودیم که با شخصی مواجه شدیم که قرار بود پس از دوره ۱۴ روزه کاری‌اش برای عروسی به شهرش برود، ما هم این سوژه به ذهنمان خورد که ببینیم شرایط مرخصی رفتن او فراهم می‌شود تا بتواند برای برگزاری عروسی‌اش به شهرشان برود یا نه. همزمان با شخص دیگری هم مواجه شدیم که مادرش در گذشته بود، اما به دلیل

شرایط بد جوی نمی‌توانست برای مراسم ختم به مرخصی برود.

چرا کار را مستند محض نساختید؟

چون در این مستند قصد داشتیم یک سری اطلاعات ارائه کنیم و جاهای مختلف سکو را نشان بدهیم. نمی‌خواستیم این اطلاعات به صورت نریشن باشد و گفتگو محور بودن را ترجیح دادیم به همین دلیل هم کمی فضای داستانی به کار دادیم و به همین دلیل شخصیت اصلی ما در طول فیلم به قسمت‌های مختلف سکو مثل تراشکاری، خشکشویی دکتر و... می‌رود و با همکارانش گفتگو می‌کند.

پس هدف اولیه شما نشان دادن سبک زندگی آدم‌ها روی سکو بود؟

دقیقاً. این سکوی گازی فضایی ۴۰ در ۴۰ متر دارند. وسط خلیج فارس است و حدود ۱۰۰ کیلومتر از خشکی فاصله دارد. شما از روی این سکو به راحتی می‌توانید سکوی گازی قطری را هم ببینید. این که آدم‌ها در چنین فضایی چگونه زندگی می‌کنند به نظرم خیلی می‌توانست برای مخاطب جذاب باشد.

وقتی روی سکو بودید جنس زندگی این آدم‌ها چقدر خود را شما به عنوان مستندساز تحت تاثیر قرار داد؟

من، شما یا هر کس دیگری که روی سکو می‌رود در ابتدا با دو نکته اساسی مواجه می‌شود. اول تنهایی بسیار محسوس

Loneliness and Horror among Calm Waters

Mir Abbas Khosravi Nejad and Erfan Ghasempour have tried to answer this question: How is the life of the people who live in gas platforms among Persian Gulf?! Without doubt, the directors both have experienced a unique horror and excitement. Among the population of 70 million people who live in this country, the number of those ones who is living in gas platforms is less than 100 persons. '14 days' is a documentary depicting a workman's life who works in the kitchen of Persian Gulf's gas platform. He is confronted with some problem while he is planning for his wedding party which is going to be held in less than two weeks. In an interview, Mir Abbas Khosravi Nejad, one of the two directors of the film, explains about the condition of making this 21 minute film. "For shooting the film, we had only two weeks to complete it. Before then, we were allowed to be on the platform only for 4 days in order to complete our research process", said Khosravi Nejad. He added, "Once we met someone in there who was supposed to return to Tehran for his wedding party and it came to our mind that it would be interesting to see if he can go on leave or not. At the same time, we saw a man who had lost his mother, but he couldn't go on leave to participate in her funeral due to bad weather conditions".



و هوایی همه برنامه‌ریزی‌ها و اتفاقات عادی را به هم می‌زند. **با توجه به این تجربه‌هایی که در این دو هفته به دست آوردید و بخشی از آن را هم در این گفت‌وگو و هم در مستند «۱۴ روز» نشان دادید فکر می‌کنید آدم‌های عادی می‌توانند روی این سکوها کار و زندگی کنند؟** نمی‌توانم جواب دقیقی به این سؤال بدهم اما از یک چیزی مطمئنم. همه مسئله و دغدغه‌هایی که روی این سکوها کار می‌کنند پول نیست. به نظر من یک جور عشق و علاقه است. شاید حتی متهم به شعار دادن بشوم، اما شاید عرق ملی در این آدم‌ها خیلی پررنگ‌تر است، آن‌ها آدم‌های خیلی مقاومی هستند. اینها نشان می‌دهد که خیلی با آدم‌های معمولی و عادی سر و کار نداریم. اما این را هم فراموش نکنیم که هر کدام در رشته‌های خودشان متخصص هستند و با توجه به اینکه در جاهای دیگر تجربه‌های خود را اندوخته‌اند به عنوان نیروهای درجه یک این کشور روی آن سکو حضور دارند. **مهمترین مشکلاتی که در طول کار روی سکو داشتید چه بود؟**

دو مشکل خیلی مهم داشتیم. اول اینکه به دلیل گرما و رطوبت بسیار بالای موجود در آن فضا ما مجبور شده بودیم انواع و اقسام دوربین‌های ریز و درشت را با خودمان ببریم چون این ترس وجود داشت که امکان خراب شدن دوربین‌ها در آن شرایط وجود دارد و اگر این اتفاق می‌افتاد عملاً دست ما برای ادامه کار بسته می‌شد. کما اینکه در طول کار هم چندین بار دوربین‌ها هنگ کردند و اگر با خودمان دوربین اضافه نبرده بودیم واقعا کار متوقف می‌شد. دومین مشکل ما این بود که محدودیت نفر داشتیم. یعنی بیش از چهار یا پنج نفر نمی‌توانستیم با خودمان ببریم.

فکر می‌کنید این مستند را یک فیلمساز مستقل می‌توانست بسازد؟

بدون شک نه. البته یک پراتری باز کنم. ما قرار بود یک مجموعه پنج قسمتی برای یکی از شرکت‌های نفتی بسازیم که با این سوژه مواجه شدیم و از آن‌ها درخواست کردیم حالا که ما اینجا هستیم و تحقیقات کار را انجام داده‌ایم اجازه دهند این کار را هم جدا از آن ۵ کار برای خودمان بسازیم که مدیران وقت آن شرکت به ما این اجازه را دادند.

دینی و آیینی

لیبک

کارگردان: وحید امیرخانی

درباره فیلم: این فیلم روایتی است از زائرانی که پیاده به سمت حرمین شریفین حرکت می‌کنند تا در چهارمین روز شهادت امام حسین(ع) خود را به حرم ایشان در کربلا برسانند.



یک سنت دیرینه

وحید امیرخانی که تاکنون ساخت فیلم‌هایی چون «باران بهانه بود»، «آوای مقاومت»، «هفده هزار بعد» را در کارنامه خود به ثبت رسانده است در مستند «لیبک» سنت دیرینه راه پیمایی بزرگ مسلمانان جهان در روز اربعین را در بیست دقیقه به تصویر می‌کشد. مستندی خوش‌ساخت که به نوعی در زمره مستندی که محصول تلاش تیمی حرفه‌ای در میان حجم گسترده‌ای از راهپیمایان اربعین حسینی است. گرچه فیلم فاقد دیالوگ، کلام و هرگونه گفتاری است؛ اما با برخورداری از زبان چشم نواز بصری، جذابیت‌های بسیاری را برای مخاطب به همراه دارد. امیرخانی طی دو سفری که به کربلا داشته تحت تاثیر عظمت و شکوه این راهپیمایی قرار گرفته و سرانجام در سومین سفرش به این شهر به همراه گروهی کوچک از عوامل پشت صحنه، این مستند را می‌سازد.

از نگاه کارگردان

جذابیت معنوی و توریستی

در سفرهایی که به کربلا در ایام اربعین داشتم از نزدیک راهپیمایی میلیونی مسلمانان را دیدم و احساس کردم اتفاقاتی که در جریان این مراسم می‌افتد حتی اگر وجه دینی و مذهبی آن را هم در نظر نگیریم، به لحاظ توریستی هم دارای جذابیت‌های بسیاری است که قابلیت تبدیل شدن به یک مستند را دارد. سوژه‌های جذابی که در آنجا وجود داشت هر فیلمسازی را به ساخت فیلم تشویق می‌کرد. از جهتی آثار گزارش گونه زیادی در این مورد ساخته شده و نمی‌خواستم این فیلم هم شبیه آنها شود.

A Big Fan of Perspolis

Amir Hossein Khalilzadeh has depicted a WIA who needs to live among people, apart from common pity. 'Polis Polis', a documentary directed by Khalilzadeh, depicts interesting story of Musa Salam, a WIA's interest and passion for sport and football. He always tries to attend the games of Perspolis in the stadium and support his favorite team.



جانبازی که طرفدار دو آتیشه پرسپولیس است

امیر حسین خلیل‌زاده با مستند «پولیس پولیس» تلاش کرده جدا از ترحم‌های همیشگی نیاز یک جانباز به زندگی در بین مردم را روایت کند

محمد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

«پولیس پولیس» نام مستندی به کارگردانی امیر حسین خلیل‌زاده است که در آن سراغ روایت جالبی از علاقه یک جانباز به ورزش و فوتبال رفته است. موسی سلامت که در سال‌های جنگ به مرتبه جانبازی رسیده، سعی می‌کند برای تماشای بازی تیم فوتبال پرسپولیس در استادיום حضور پیدا کند و به تشویق تیم مورد علاقه خود بپردازد. با خلیل‌زاده درباره فیلمش و حال و هوای این روزهای مستند دفاع مقدس صحبت کردیم.

از عشق همت به پولیس پولیس

نام این فیلم ابتدا «عشق همت» بوده که خلیل‌زاده آن را به «پولیس پولیس» تغییر داده است. او درباره علت این تغییر می‌گوید: «آقای سلامت علاقه شدیدی به شهید همت دارد و حتی ورزشگاه هم که می‌رود سعی می‌کند عکس شهید همت را با خود ببرد. ولی خواستم با اسم فیلم بازی یا تبلیغاتی با نام شهید همت نشود. این شد که گفتم از اسم دیگری استفاده کنیم چون به نظرم جایگاه شهید همت بالاتر از این مسائل است.» اما چرا «پولیس پولیس»؟ این سؤالی بود که جوابش بسیار جالب است: «این جانباز حدود سی سال است که ناشنوا است و هیچ چیزی نمی‌شوند. لهجه‌های عربی - فارسی هم دارد که با همان لهجه به پرسپولیس که تیم محبوبش است می‌گوید «پولیس پولیس». ضمن اینکه به هر حال اسم فیلم مهم است و این ابهام می‌تواند برای بیننده جذاب و سؤال برانگیز باشد.» جالب است که خلیل‌زاده فیلم را برای او و دوستانش که ناشنوا هستند زیرنویس فارسی کرده تا فیلم را بفهمند.

یک شهروند عادی روی ویلچر

به گفته خلیل‌زاده، موسی سلامت یکی از هواداران معروف پرسپولیس است که بسیاری از بازی‌های ملی را هم به ورزشگاه می‌رود. او برای دیدن بازی‌های تیم محبوبش سختی‌های زیادی می‌کشد و تقریباً همیشه روی ویلچر در ورزشگاه حاضر است و بازی‌ها را از نزدیک می‌بیند. خلیل‌زاده در خصوص رسیدن به این سوژه می‌گوید: «دوستان پیشنهاد دادند که یک چنین شخصیتی هست و درخواست کردند به او نزدیکتر شویم تا ببینیم می‌توان از روی زندگی‌اش مستندی ساخت یا نه. چند روز از بازی فینال تیم محبوبش به آسایشگاه «نارالله» رفتم و چند روزی را با او بودم و قرار شد این آدم را در مسیر رفتن به بازی فینال بشناسیم تا اینکه خیلی خشک و کلیشه‌ای به زندگی او بپردازیم.» به گفته این کارگردان با توجه به این که سلامت، ناشنوا است خیلی سخت با او ارتباط برقرار کرده و کمی طول کشیده تا او متوجه شود قرار است

فیلمی مستند با محوریت او ساخته شود که در آن جانبازی را نشان داده می‌شود که دوست نداشته خیلی منزوی شود و تمایلش به حضور در جامعه و بین مردم است. این جانباز ناشنوا ابتدا فکر می‌کرده این فیلم یک گزارش یا یک نوع رپرتاژ است که تلویزیون می‌خواهد از او بسازد و آن را پخش کند اما وقتی موضوع را فهمیده از آن استقبال کرده است: «وقتی موضوع را کاملاً فهمید خیلی موافق و همراه ما شد. خودش هم دوست داشت مردم ببینند که او با تمام محدودیت‌هایش دوست دارد مثل یک آدم عادی در جامعه دیده شود.»

دوری از ترحم‌انگیزی

کارگردان «پولیس پولیس» دوست نداشته به شیوه بسیاری از مستندهای امروزی ساخته در خصوص جانبازان دفاع مقدس فیلم بسازد: «دوست نداشتم بگویم آهای مردم بیا بیاید این بنده خدا را ببینید و به او ترحم کنید و دلتان برایش بسوزد. کاری که متأسفانه دوستان قبلی در مواجهه با او و در گزارش‌هایی که با محوریت این جانباز ساخته بودند به شدت نشان داده بودند. به نظرم این گونه به تصویر کشیدن امثال آقای سلامت ظلم بزرگی در حق آن‌هاست.» به گفته او بزرگترین مشکل برای امثال موسی سلامت فراموش شدن است: «فراموش نشدن هم با بلبورد زدن و شعار دادن درست نمی‌شود باید امثال او به متن جامعه برگردانده شود و با مردم عادی حشر و نشر داشته باشد تا این احساس به آن‌ها دست دهد که کسی فراموششان نکرده.» جالب است بدانید موسی سلامت ماشینی داشته که برای رفتن به مسابقات فوتبال از آن استفاده می‌کرده اما به دلیل مشکلات مالی ماشینش را فروخته که کارگردان فیلم حتی این نکته را هم در فیلمش نشان نداده تا حس ترحم در مورد او به وجود نیاید.



سند هویت شخصی

محمدرضا هاشمیان در تازه‌ترین تجربه فیلمسازی‌اش تاریخچه و چگونگی صدور شناسنامه را در ایران بررسی کرده. او از تجربه ساخت این فیلم می‌گوید

عرفان ملالی

محمدرضا هاشمیان در تازه‌ترین تجربه فیلمسازی‌اش به مرور تاریخچه شناسنامه در کشورمان پرداخته. او درباره مستندش می‌گوید: در این مستند برای اولین بار به بررسی تاریخچه و چگونگی صدور شناسنامه در ایران به عنوان مهمترین سند هویتی هر شخص در جامعه می‌پردازد. بعد از انقلاب مشروطه قانون ثبت احوال در دولت مطرح و شناسنامه رواج می‌یابد اما تا دوره رضاشاه پهلوی قانونی نمی‌شود تا اینکه در آن زمان با تصویب مجلس شناسنامه اجباری شده و رواج می‌یابد. هاشمیان درباره ساختار اثرش هم این گونه توضیح می‌دهد: «این مستند ساختاری روایی دارد که از زمان حال و با تعریفی از شناسنامه شروع می‌شود و سپس به گذشته رفته و دوران قبل از وجود شناسنامه در کشور را به تصویر می‌کشد. بخش‌هایی از فیلم بازسازی است که در این قسمت ۳۰ بازیگر ما را همراهی کردند.» او درباره لوکیشن‌های مستندش هم می‌گوید: «ما برای تصویربرداری به شهرهای مختلفی چون تهران، رشت، فومن، تبریز، بوشهر، کرج و چند شهر دیگر رفتیم. می‌خواستیم از هر کجا که اتفاق خاصی در حوزه شناسنامه رخ داده بود، اطلاعات کاملی کسب کنیم.»

مستند علمی، زیست محیطی

پرنده‌گان سرزمین زاگرس

زیستگاه بیش از ۶۰ گونه پرنده در مستند «پرنده‌گان در سرزمین برف و آفتاب» بررسی شده است

«پرنده‌گان در سرزمین برف و آفتاب» درباره شرایط زیستی پرنده‌گان بومی و مهاجر استان کهگیلویه و بویراحمد در شرایط جغرافیایی و آب و هوایی خاص این منطقه است. فرشاد افشین‌پور این مستند را در چهار فصل تولید کرده تا بتواند تصویری جامع از پرنده‌گان در تمامی فصول ارائه دهد. او درباره فیلمش می‌گوید: «بده ساخت فیلم پس از آنکه مشاهداتی از مناطق سردسیری و گرمسیری استان داشتم به ذهن من خطور کرد. ابتدا سعی شد تا با انجام مطالعات مقدماتی، اطلاعاتی در این زمینه کسب شود؛ اما خیلی زود به دلیل آنکه تجارب شخصی فراوانی داشتم کار تصویربرداری فیلم را آغاز کردم. البته در این راه همکاران و کارشناسان خبره‌ای من را یاری دادند.»



قوم شناسی

بردشیر
کارگردان: مهوش شیخ‌الاسلامی
درباره فیلم: «بردشیر» ساخته مهوش شیخ‌الاسلامی درباره جوانی بختیاری است که دنبال ساخت مجسمه شیرسنگی است. فیلم به این بهانه نحوه ساخت این مجسمه‌ها را در استان‌های غربی کشور به تصویر کشیده.



تندیس‌های جوانمردی

مهوش شیخ‌الاسلامی

ایده ساخت مستند «بردشیر» هنگامی که برای ساخت یکی از فیلم‌هایم به مناطق غربی کشور سفر کرده بودم، به ذهنم رسید. می‌دانستم که در گذشته ساخت مجسمه‌های شیرسنگی در این مناطق بسیار معمول بوده و این مجسمه‌ها را بعد از فوت مردان ایل بختیاری بر روی مزار آنها می‌گذاشتند. شیرسنگی‌ها در واقع نماد دلیری، جوانمردی و انسانیت این افراد بوده، اما در این سفر دریافتم که متأسفانه ساخت این مجسمه‌ها از رونق افتاده و مجسمه‌های قبلی هم تقریباً از بین رفته است. در تحقیقاتم به جوانی برخوردیم که به دلایل خاصی شیرسنگی می‌ساخت و در نهایت او به محور اصلی فیلم تبدیل شد. البته ساخت این نوع کارها سختی‌های خاص خود را دارد و در هنگام تصویربرداری این مستند نیز برخی اختلاف‌ها و نزاع‌ها میان مردم این مناطق تأثیرات منفی زیادی بر روند تولید فیلم گذاشت و پروژه را بارها متوقف کرد. ساختار فیلم چیز دیگری بود، اما به دلیل این مشکلات تقریباً از میانه‌های فیلم روند آن تغییر کرد و آن چیزی که دوست داشتم، نشد. با این حال فیلم را دوست دارم چون احترام زیادی برای آن جوانی قائل هستم که که «شیرسنگی» را ساخت.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Full, Mid-length & Short)

Here, you can follow our suggested documentary films to watch the above sections. The following are recommended for Short Film: 'Almaz' directed by Victor Ašliuk, and 'Velo Mystery' by Jörn Staeger. And if you are interested enough in watching full and mid-length movies, we recommend you take time to watch 'Abu Haraz' by Tomasz Wolski, 'Sars: Cover up and aftermath' by Diana Dai and 'The Bosnian Identity' directed by Matto Bastianelli. Among the above, there are two films with interesting themes: the first one is 'Sars: Cover up and aftermath' telling the stories of the government's cover up and forgotten SARS survivors who are suffering from the horrific after-effects. The second one is; 'Velo Mystery', an experimental short film about the symbiotic relationship between human and bicycle.

aida.tadayon@gmail.com

آیدا تدین

فیلم بلند



جدال بیهوده با سر نوشت
 ابوحراز / لهستان ۲۰۱۳

ماسیژ در یگاس مستند ۷۳ دقیقه ای «ابوحراز» را کارگردانی کرده است. عنوان فیلم برگرفته از نام روستایی کوچک واقع در میان بیابان های سودان شمالی است. ساخت سدی عظیم بر رود نیل با ضرباهنگ طبیعی و کهن زندگی ساکنان این منطقه تداخل پیدا کرده است. سازندگان این اثر مستند چندین سال را در کنار ساکنان «ابوحراز» سپری کرده و شاهد تلاش بیهوده آن‌ها برای تغییر مسیر سر نوشتشان بوده اند. در یگاس همچنین کارگردانی آثاری نظیر «بازیگران» / ۲۰۰۹ و «پزشکان» / ۲۰۱۱ را نیز در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

نیمه بلند



جراحت ابدی بر پیشانی یک تاریخ ننگین
 هویت بوسنیایی / ایتالیا ۲۰۱۳

ماتو باستیانیلی، کارگردان و نویسنده این مستند ۵۲ دقیقه ای، سفری به درون حافظه تاریخی بوسنی را به تصویر کشیده است. این اثر نیمه بلند تصویری رویایی، عمیق و درونی را از نسلی که از دست رفته ارایه می دهد و آن مرز نادیدنی را بین آنچه اتفاق افتاد و آنچه می توانست رخ دهد، دنبال می کند. «هویت بوسنیایی» سفری مداوم به خودآگاهی تاریخی در بحبوحه ی وحشت نسل کشی و خاطره پاکسازی قومی است که مرزهای زمان را در نور دیده و ابدی است.



عدالتخواهی بازماندگان یک واقعه ویرانگر
 ویروس سارس / کانادا ۲۰۱۳

«ویروس سارس»، مستندی خارق العاده و روشنگر درباره درامی انسانی است که در جریان ظهور این بحران و پس از آن رخ داد. دایانا دای، نویسنده و کارگردان این اثر ۵۱ دقیقه ای، ماجرای سرپوش های دولت و بازماندگان فراموش شده این ویروس مرگبار را به تصویر کشیده است. مهم تر از همه این که «دای» در این مستند نیمه بلند از شیوه درمانی متجاوزانه ای که در مداوای این بیماران به کار برده شده و عوارض بعدی هولناکی که در پی داشته، پرده برداری کرده است.

ادای دین به یک موجود آهنی دوست داشتنی

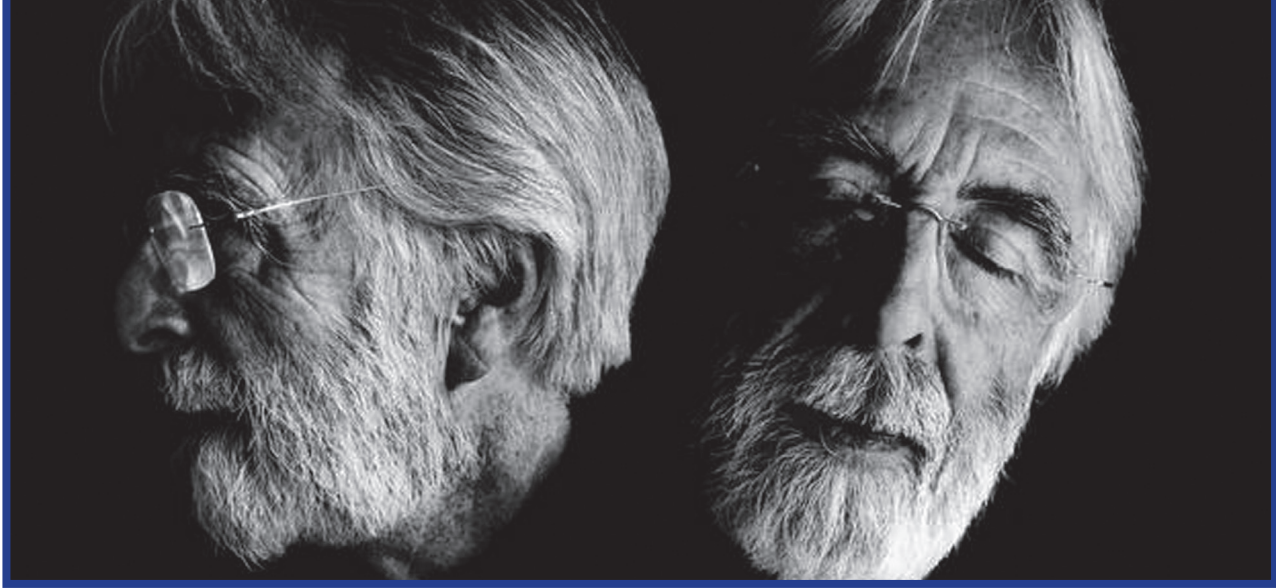


این مستند آلمانی که کارگردانی و نویسندگی آن به دست یورن اشتاگر انجام گرفته، در حقیقت یک اثر تجربی کوتاه است که به رابطه رازآمیز میان انسان و ساخته ی دست خودش، یعنی دوچرخه می پردازد. بنابر آنچه اشتاگر به تصویر می کشد راندن دوچرخه شامل سه مرحله است: دوچرخه به مثابه سفینه فضایی، ماشین بدن و ماشین زمان. به تعبیری می توان گفت «راز دوچرخه» ستایش و تجدید پیمانی شخصی است با موجود متحرکی به نام دوچرخه!

غرقه در ظلمات جبر جغرافیایی



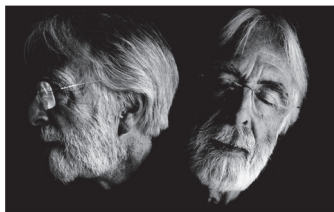
«آلماز» یک مستند کوتاه ۳۰ دقیقه ای است که ویکتور آسلیوک نویسنده و کارگردانی آن را برعهده داشته است. آسلیوک که کارگردان فیلم هایی نظیر «جزیره بلاروس» / ۲۰۰۹ و «مری» / ۲۰۰۷ است، در تازه ترین اثر مستند خود، گیجی و آشفتگی دوران استالین و پسا-استالین را به تصویر کشیده است. آسلیوک در «آلماز» روایتگر هرج و مرج گسترده ای است که دامنگیر مردمان آن عصر در بلاروس (جمهوری سوسیالیستی بلاروس شوروی سابق) شده بود.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Common Heritage, Portrait & Short)

In the sections of Common Heritage and Portrait, there is a spectacular selection as the following: 'My kit and kin' directed by Rodion Ismailov, 'Michael H. Profession: Director' directed by Yves Montmayeur and 'Side by Side' directed by Chris Kenneally. But if you are more curious to watch this year's short films, you also have these two choices: 'Txiki' directed by Sergio San Martin and 'Mr.Siebzehnuebl' directed by Tuna Kaptan. In the end, we recommend you to watch the film, 'Michael H. Profession: Director', which is about one of the most important directors in cinema history. Also, there is another film, named 'My kit and kin' that is a lyric and breathe taking story about a girl, who goes to Azerbaijan for the very first time to meet her father's parents.

پرتزه



تجلیل از نابغه سینمای معاصر
میشایل هانکه، حرفه: کارگردان / اتریش - فرانسه ۲۰۱۳

این مستند ۹۰ دقیقه ای به یکی از فیلمسازان برجسته سینمای معاصر اختصاص دارد. اپوز مونیومپور، کارگردان این اثر، سعی کرده حیات هنری میساییل هانکه، کارگردان فیلم هایی نظیر «روبان سفید» و «عشق»، را از ساخت نخستین فیلمش تا به امروز به تصویر بکشد. از نگاه بازیگران فیلم هایش، هانکه هنرمندی نادر است که در آثار خود دست به آفرینش جهانی بی مانند می زند؛ جهانی که شبیه هیچ یک پس مانده های جامعه بشری نیست. او استاد به تصویر درآوردن ترس های آگزستانسیال و انفجارهای احساسی است.



چشم اندازی به گذشته، امروز و آینده
پهلو به پهلو / امریکا ۲۰۱۲

کریس کنیلی، در مقام کارگردان این مستند ۹۵ دقیقه ای، به تحقیق و پژوهش درباره تاریخچه، روند و گردش کار فیلم های فتوشیمیایی و دیجیتال پرداخته است. این مستند شامل گفت و گوهایی با کارگردانان، فیلمبرداران، رنگ شناسان، دانشمندان، مهندسان و هنرمندانی است که به بیان تجربیات و احساسات شان درباره کار با فیلم و دیجیتال می پردازند. کنیلی سعی کرده در مجموع نمایی کلی از گذشته، امروز و آینده ای را که قرار است در صنعت فیلمسازی با آن رو به رو شویم، به دست دهد.

میراث مشترک



ارمغان شاعرانه ی میراث پدری
دوستان و خویشاوندانم / آذربایجان - روسیه ۲۰۱۳

این مستند ۶۳ دقیقه ای را رادیون اسماعیل اف نویسنده و کارگردانی کرده است. اسماعیل اف در این اثر داستان شاعرانه و مهیج دختری به نام «لولیتا» را روایت می کند. لولیتا که زاده مادری روس و پدری با اصلیت آذربایجانی است همزمان حامل دو فرهنگ است. او برای نخستین بار به آذربایجان سفر می کند تا با خانواده پدری اش دیدار کند. لولیتا قصد دارد تا می تواند درباره آداب و رسوم، فرهنگ و هر چه به آذربایجان مربوط است اطلاعات کسب کند. نخستین آشنایی او با آذربایجان پیرنگ اصلی این فیلم مستند را تشکیل می دهد.

فیلم کوتاه

تک گویی های خاموش در سالنی فراموش شده — آقای سبیزین روبل / ترکیه ۲۰۱۳

«آقای سبیزین روبل»، یک مستند ۱۸ دقیقه ای به کارگردانی و نویسندگی تونا کاپتان است. این اثر کوتاه درباره سالن نمایشی است که آقای سبیزین روبل صاحب آن است. «پام تیتز» نه تنها کوچک ترین، بلکه عجیب ترین سالن نمایش شهر به شمار می رود. گویی زمان در این تک اتاق نمایش برای همیشه منجمد شده است، دست کم برای پیرمرد ۸۱ ساله ای که صاحب آن است. این فیلم تاکنون در جشنواره های مختلفی موفق به کسب جایزه بهترین فیلم مستند و فیلم منتخب تماشاگران شده است.



ستایش آفرینش در دستان هنرمند بشر — تکسیکی / اسپانیا ۲۰۱۲

سرجیو سان مارتین، کارگردان و نویسنده این اثر ۲۷ دقیقه ای است که مستند اخیر خود را حول زندگی و هنر آفرینی تکسیکی مدینا، هنرمند نقاش به تصویر کشیده است. سان مارتین در این اثر به طور ویژه بر روند خلاقانه آفرینش نقاشی رنگ و روغن به دست این هنرمند جسور و با استعداد تمرکز کرده است. این فیلم در سال ۲۰۱۳ در چندین جشنواره از جمله جشنواره فیلم استافوردشایر انگلستان موفق به کسب جایزه بهترین فیلم مستند شده است.



گفت و گوی ویژه

هر فیلم برایم تجربه‌ای است تازه

ادامه از صفحه ۹ □□□

علاوه بر مدار کی که درباره تعزیه تهیه شده بود و مربوط به سال‌های گذشته می‌شد به نوعی در فکر بودیم که یونسکو تعزیه را به عنوان میراث جهانی تایید کند. میراث جهانی با میراث ملی متفاوت است، میراث جهانی یعنی آثاری که تمام دنیا موظف به حفظ آن هستند و مفهوم آن فراتر از میراث ملی است. اگر محمدحسین ناصربخت در این طرح حضور نداشت، شاید بسیاری از چیزها را از دست می‌دادم. او یک مشاور یگانه بود و اطلاعات خوبی به من داد. در بخش دوم تعزیه هم که در حضور مردم اجرا می‌شود، نتوانستم زمینه اجرایی که دلم می‌خواست را فراهم کنم، زیرا تعزیه واقعی را می‌توان فقط در روز عاشورا و در جمع مؤمنان اجرا کرد؛ اما در این فیلم چند روز قبل با دو وانت و بلندگو در شهر راه افتادیم و اعلام کردیم که در روز جمعه می‌خواهیم قسمت پایانی تعزیه را فیلمبرداری کنیم و از مردم خواهش کردیم که با لباس مشکی در این مراسم شرکت کنند البته آن‌ها هم با ما بسیار همکاری کردند تا حال و هوای عزاداری در تعزیه ایجاد شود. من به تعزیه به عنوان یک نمایش ایرانی نگاه کردم. البته نباید فراموش کنیم که نظم بیشتری در نمایش نسبت به تعزیه وجود دارد. من تصمیم گرفتم که با خود متن یک تعزیه بدون تماشاچی بسازم، به همین دلیل «تمرین آخر» انتخاب شد. گروهی تمرین کرده بودند که تعزیه‌ای در شهر کاشان اجرا کنند که آخرین تمرین‌شان بود، کسانی که در این فیلم ایفای نقش می‌کنند، بهترین بازیگران تعزیه هستند، آن‌ها از سراسر ایران گلچین شده‌اند زیرا آقای ناصربخت فراخوانی داده بود و از تعزیه‌کاران مهم ایران چند گروه آمده بودند.

چه جایی که از من گرفته شد

در تلویزیون ثروتی از آرشیهو فیلم‌ها وجود دارد که متاسفانه وقتی برای نمایش آن قصد دارند قسمت‌هایی از آن را حذف کنند، همان اثر اصلی را قیچی می‌کنند. این فیلم (مشهد قالی که غالباً نسخه بی کیفیت آن در محافل خصوصی اکران می‌شود) کیفیت خوبی نداشت و کلماتی از آن حذف شده است و دلخوری من از فناوری دیجیتال هم همین است که فیلم‌های این چنینی را با هر کیفیتی کپی می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند چه جانی از من گرفته شده تا تصاویر فیلمم را بگیرم. تمام اقتصاد ما با نفت می‌گذرد و در بهترین زمان‌های آن، کمتر از ۲۵ هزار نفر به آن اشتغال داشتند، اما همین امروز ۱۸ میلیون نفر در حوزه فرش مشغول به کار هستند. ما اصلاً به گذشته خودمان نگاه نمی‌کنیم در حالی که همه دنیا دارد فرش ما را به اسم خودش می‌زند و بعد همان‌ها را به خود ما می‌اندازند. بدیهی‌ها زیباترین وجوه زندگی یک ملت هستند و این قدر طبیعی شده‌اند که ما آن‌ها را نمی‌بینیم ولی وقتی یک غریبه می‌آید متوجه آن‌ها می‌شود.

حقیقت

نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
 سردبیر: آرش خوشخو
 دبیر تحریریه: وحید سعیدی
 دبیر اجرایی: مرجان فاطمی
 سینمای ایران: احمد رنجبر
 بخش بین الملل: آیدا تدین
 مدیر هنری: محمد هاشمی
 عکس: حامد خورشیدی

با سپاس ویژه از: حامد دبیری، کوروش جوان، مریم سعید پور



عکس روز

معجزه مستند!

از میان چهره‌های مطرحی که روز گذشته به سینما سپیده و فلسطین آمدند، دیدن چهره سیروس الوند بیش از دیگران جلب توجه می‌کرد. برای مخاطبان سینما نام الوند مترادف است با کارگردانی فیلم‌های بلند سینمایی. با این حال جذابیت‌های مستند، این کارگردان را هم به سینما فلسطین کشاند. او که تماشای چند فیلم ایرانی و خارجی به مذاکش خوش آمده بود، از علاقه‌مندان سینما دعوت کرد فرصت لذت فیلم‌های مستند را از دست ندهند.

در آینه رسانه

اخبار مستند از همه رنگ

این روزها عمده خبرهای فرهنگی روزنامه‌ها، سایت‌ها و خبرگزاری‌ها درباره سینمای مستند و اخبار جشنواره حقیقت است. خبرگزاری ایسنا در ادامه معرفی فیلم‌های بخش‌های مختلف جشنواره در دو گزارش مجزا به معرفی فیلم‌های بخش مسابقه داستانی و تاریخی پرداخته است. در کنار این مطالب، چند خبر دیگر درباره جشنواره هم در این خبرگزاری به چشم می‌خورد.

گنج مستند

در ادامه یادداشت‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ای درباره اهمیت سینما و جشنواره مستند، خبرگزاری مهر این بار از پتانسیل این گونه سینمایی نوشته است. در بخشی از این یادداشت می‌خوانیم: «سینمای مستند نه تنها در ایران بلکه از ابتدای اختراع سینما در دنیا کارکرد ویژه‌ای در بیان واقعیت‌های جامعه در ابعاد مختلف زندگی بشر داشته است اما متاسفانه این نوع سینما مانند سینمای بلند داستانی روال عادی اکران و در دسترس بودن برای مخاطب را ندارد و فیلم‌های مستند علاوه بر جشنواره‌های محفلی معمولاً به شکل زیرزمینی و یا با توصیه‌های دهان به دهان دیده می‌شود. با این اوصاف به نظر می‌رسد یکی از مهمترین مشکلات و موانع اعتلای سینمای مستند ایران، بحث نمایش و پخش فیلم‌های مستند است.»

همراه با سینما حقیقت

خبرگزاری سینمای ایران با همان سینماپرس اخبار و گزارش‌های مربوط به جشنواره را با عنوان «همراه با سینما حقیقت» پوشش می‌دهد. این رسانه در یکی از گزارش‌هایش شرح کاملی از برنامه کارگاه‌های جشنواره روی خروجی‌اش فرستاد.

تفاوت‌ها را در «سینما حقیقت» تجربه کنید

خبرگزاری تسنیم در کنار انعکاس اخبار روتین جشنواره، گزارشی توصیفی از سینمافلسطین و سپیده منتشر کرده و این گونه مخاطبان‌ش را از حال و هوای جشنواره مطلع کرده است. خبرنگار این رسانه ضمن پوشش متن و حواشی جشنواره‌ها از کیفیت فیلم‌ها هم نوشته است.

پوشش کامل جشنواره

باشگاه خبرنگاران پوشش تلویزیونی جشنواره توسط شبکه‌های مختلف را سوژه قرار داده و نام برنامه، روز و ساعت پخش این برنامه‌های تلویزیونی را منتشر کرده است. روزنامه هفت‌صبح هم خبر اکران فیلم مستند «خونه» را چاپ کرده است.

روزگار تلخ جانباز هندی
 ساعت ۱۴:۱۵ امروز در سالن شماره ۲ فلسطین یکی از فیلم‌های بخش انقلاب و دفاع مقدس به نمایش درمی‌آید که به لحاظ سوز و مریض‌کنندگی‌های زیادی برای علاقه‌مندان سینمای مستند دارد. «هلی بدون کارن» ساخته محمدعلی شعبانی درباره جانبازی هندی به نام «امریک» است که سال‌ها دور به ایران می‌آید و با آغاز جنگ تحمیلی علیه‌اش صدام می‌جنگد. او پس از محرومیت و جانباز شدن در سرچشمه رفسنجان ساکن می‌شود، اما با حال و روزی نامناسب، شعبانی پس از اطلاع از سرگذشت او سرفروش می‌رود و فیلم «هلی بدون کارن» را با اسامی زندگی دراماتیک می‌سازد. این جانباز در طول این سال‌ها حقوق اولیه شهروندی محروم بوده و حتی به خاطر نداشتن شناسنامه و کارت ايراني نتوانسته پاسپورت بگیرد تا به سفر به خانه‌ها و ملاقات با کربلاست، برسد. شاید این مستند در جشنواره سینما حقیقت باعث شود گروه از مشکل این جانباز هندی‌الصل مقیم کشورمان گشوده شود.